

اکثریت

دوشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۶۹ برابر ۳۲۲
۱۵ اکتبر ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره

پس از کشتار ۲۲ فلسطینی در اورشلیم

شورای امنیت، اسرائیل را به اتفاق آراء محکوم کرد.

به دنبال کشتار وحشیانه ۲۲ فلسطینی در اورشلیم توسط نیروهای اسرائیلی، شورای امنیت سرانجام در روز شنبه ۱۳ اکتبر قطعنامه‌ای را در محکومیت اسرائیل به تصویب رساند. این قطعنامه بدون رای مخالف از تصویب شورای امنیت گذشت. بدین ترتیب پس از ۸ سال

بقیه در صفحه ۳

دو شنبه هفته گذشته، انتخابات مجلس خبرگان در میان تدابیر شدید امنیتی و آماده باش نیروهای مسلح برگزار شد. از یک هفته پیش از روز رای گیری، تبلیغات گسترده‌ای در جهت ترغیب مردم به شرکت در این انتخابات به راه افتاد، که در نوع خود بی سابقه بود. دو روز قبل از

انتخابات مجلس خبرگان برگزار شد:

نه! پاسخ اکثریت مردم به جمهوری اسلامی

انتخابات، هم حریف را به عقب راند و هم مشروعیت و محبوبیت خود را اثبات کند. اما علی‌رغم اینکه سران رژیم همه حیثیت و اعتبار نظامشان را پشت سر این انتخابات گذاشتند، اکثریت بزرگ مردم به درخواست‌ها و فراخوان‌های آنها پاسخ نه گفتند و از شرکت در رای گیری خودداری نمودند. در روز رای گیری، اکثر حوزه‌های اخذ رای بطور چشمگیری خلوت بود، همه خبرگزاری‌های خارجی نیز بر

بقیه در صفحه ۲

مردم را به حضور گسترده در انتخابات دو شنبه دعوت می‌نماید. به گزارش همین روزنامه، علاوه بر شهرها، روستاهای کشور نیز به مراکز تبلیغاتی برای کاندیداها تبدیل شده‌است. دلیل تبلیغات بی سابقه و تاکیدات مکرر مسئولین رژیم برای شرکت در انتخابات که از سوی خامنه‌ای واجب شرعی اعلام شد، علاوه بر ملاحظات همیشگی، درگیری‌های شدید درون حکومت بود، جناح مسلط، کوشید با شرکت هر چه گسترده‌تر مردم به

شروع انتخابات روزنامه کیهان از قول خبرنگاران خود نوشت: شمار جانی هفته گذشته شکل و شمایل ویژه‌ای به خود گرفته و بر دیوارها پوست‌های تبلیغاتی کاندیداها به چشم می‌خورد. در خیابانهای شهرها علاوه بر پوست‌های تبلیغاتی، پارچه‌هایی که نام کاندیداها بر آن نوشته

گالیندویل به تهران رفت

ایرانی، یک موفقیت ارزیابی شد، زیرا رژیم جمهوری اسلامی که سالها در برابر خواست اعزام یک هیئت بین المللی به ایران و بررسی حقوق بشر در حکومت اسلامی، مقاومت کرده بود، سرانجام مجبور شد بر برابر خواسته مردم ایران و جامعه بین المللی تسلیم شود و با سفر بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر موافقت کند. رژیم اسلامی به هنگام سفر گالیندویل به تهران، با استفاده از یک برنامه سازماندهی شده، مانع تماس آزادانه وی با مردم و خانواده‌های زندانیان سیاسی و شهادت‌گرددید. بخش عمده سفر ۱۰ روزه نماینده سازمان ملل در محاصره ایادی و هوامل رژیم تلف شد. گزارش ۷۶ صفحه‌ای گالیندویل، هر چند گوشه‌هایی از

بقیه در صفحه ۳

پیروزی رفسنجانی - خامنه‌ای

دریک جدال داخلی

معرفی کاندیدا خودداری کرد، چند تن از کاندیداها از جمله موسوی خوئینی‌ها کاندیداتوری خود را پس گرفتند و اکثریت مجلس کوشید با تصویب لایحه‌ای مانع انجام انتخابات شود. تندروها برای فلج کردن انتخاباتی که نتیجه آنرا از پیش باخته بودند، به اتکال داشتن اکثریت در مجلس یک هفته قبل از برگزاری انتخابات، لایحه برکناری و منع انتصاب لیبرالها و حجتیه‌ای‌ها از پست‌های کلیدی و

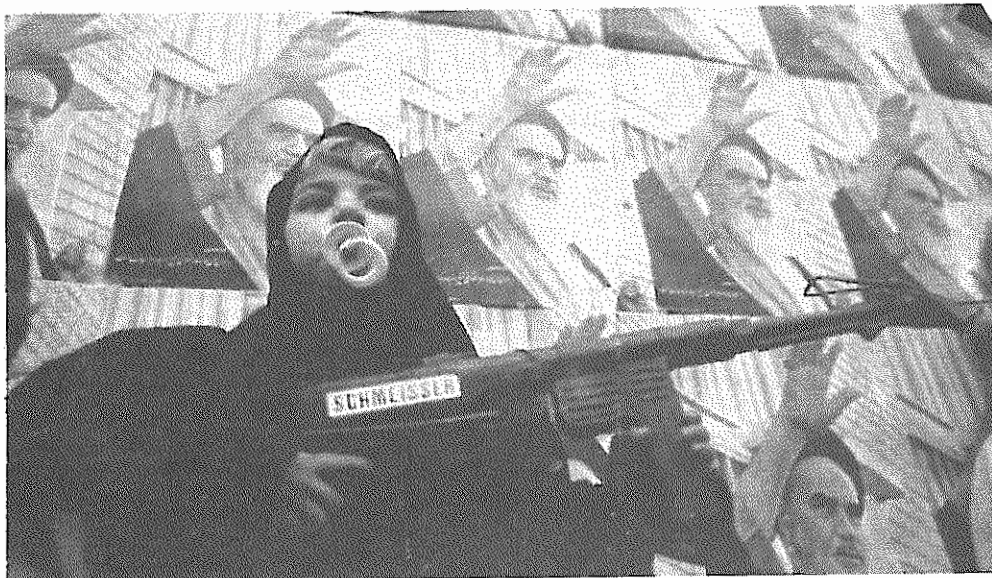
بقیه در صفحه ۲

سخنان شدیدالحن خامنه‌ای در روز یازدهم مهر نتوانست بر آتش اختلافات درونی رژیم سرپوش گذارد و این اختلافات تا آستانه انتخابات خبرگان کماکان ادامه یافت. تندروها و بویژه دو مرکز اصلی تجمع آنها در مجلس شورای اسلامی و مجمع روحانیت مبارز، علیرغم تمام فشارهای سازمان یافته، به اوامر ولی فقیه گردن نگذاشتند و حتی پس از سخنان خامنه‌ای به مخالفت‌های خود به نحوی آشکار و بارز ادامه دادند. مجمع روحانیت مبارز از

به بهانه برگزاری کنفرانس جهانی کودک

کودکان

قربانیان بی گناه کینه جویی، جنگ طلبی و سودجویی



می‌میرند یا از کمبود مواد غذایی و سوءتغذیه رنج می‌برند. صدها میلیون کودک هیچ شانس برای رفتن به یک مدرسه ندارند. میلیون‌ها کودک فاسد می‌شوند. در حالی که هیچ تکیه گاهی جز خودنداردند، در خیابان‌های شهرهای بزرگ جهان سوم مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند، آلت دست جنایتکاران واقع می‌شوند، توسط پلیس‌های سادیست چنان چون جانوران وحشی شکار می‌شوند و بدست جانیان حرفه‌ای به قتل می‌رسند. موقعیت کودکان در کشورهای آسیا، آمریکای لاتین و بیش از همه آفریقا بگونه‌ای دراماتیک به وخامت گرایده است. از اواخر دهه هشتاد به این

بقیه در صفحه ۵

در کنار روسای جمهور بسیاری از کشورهای جهان سوم مانند آنگولا، بنگلادش، آرژانتین، شیلی و نیکاراگوئه، سیاستمداران نامی ممالک ثروتمند صنعتی از جمله تاجر - نخست وزیر بریتانیا - میتران رئیس‌جمهور فرانسه - و فون وایتسکر - رئیس‌جمهور آلمان نیز شرکت داشتند. اما گردهمایی فوق العاده بود. گارباچف و بوش نیز در لیست سخنرانان بودند. بیلان، البته تا آنجائی که مشخص است، وحشتناک است. یونسف با ابتکار برگزاری این جلسه، که در تاریخ تائکونی جهان بی سابقه است، می‌خواسته است جهان را متوجه فلاکت کودکانش کند. از جمله فاکت‌ها و وارقامی که در نیویورک طرح شده‌است از: میلیون‌ها کودک از گرسنگی

در اولین هفته اکتبر سال جاری، نیویورک میزبان سران بیش از ۸۰ کشور جهان بود که برای بحث و بررسی مسائل و مشکلات کودکان گردآمده‌اند.

درصدشان کمتر از پنجم ابتدائی سواد دارند. ۸۴/۱ درصد از آنها سوادشان بین پنجم ابتدائی تا سوم راهنمائی است. تحصیلات ۵۹/۶ درصد آنها بین سوم راهنمائی تا دیپلم است. ۷۲/۲ درصد آنها با سواد بدون مدرک هستند، ۲۱/۵ درصد دیپلم گرفته‌اند، اما لیسانس ندارند. ۱۱/۹۱ درصد، تحصیلاتشان در حد لیسانس تا کمتر از فوق لیسانس است و بالاخره تنها ۵/۸۲ درصد، تحصیلاتی در سطح فوق لیسانس و بالاتر دارند.

بقیه در صفحه ۴



تغییرات تازه در سیاست جمهوری اسلامی

نسبت به بحران منطقه

پذیرفت و حتی اگر کویت حاضر شود جزیره بوبیان را به عراق واگذار کند، جمهوری اسلامی با آن موافقت نخواهد کرد. رفسنجانی در این مصاحبه به طور آشکار حضور نیروهای خارجی در منطقه خلیج فارس را تا هنگام ارائه اشغال کویت توسط عراق مورد تایید قرار داد. جمهوری اسلامی قلاً خواستار خروج بی‌قید و شرط این نیروها از منطقه شده بود. در راستای همین سیاست، علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه نیز به هنگام بازگشت از نیویورک اعلام داشت که نظر ایران در خصوص مسائل منطقه به مسایل نظامی کشیده شود، ایران به هیچ وجه در درگیری نظامی شرکت نخواهد کرد.

بقیه در صفحه ۳

چهارشنبه هفته گذشته (۱۱ مهر) سام‌الزهاوی، معاون وزیر امور خارجه عراق به تهران رفت، وی در تهران با منوچهر متکی معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، مذاکراتی را که چندی پیش در بغداد صورت گرفته بود، دنبال کرد. الزهاوی در این سفر، همچنین با علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه نیز دیدار نمود. مذاکرات معاون وزیر امور خارجه عراق، با مقامات جمهوری اسلامی، پیرامون از سرگیری مجدد تبادل اسرا و هلاکت‌گذاری در نقاط مرزی دو کشور دور می‌زد. اکنون مدتی است که روابط رژیم‌های تهران و بغداد مجدداً روبه تیرگی گذارده و گرمی اولیه پس از پذیرش شرایط ایران توسط عراق را از دست داده‌است. مبادله اسرا نیز کماکان متوقف مانده است. طی هفته گذشته دولت رفسنجانی مواضع صریح‌تری علیه عراق در بحران منطقه اتخاذ کرد. هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه لوموند تاکید کرد که اشغال کویت توسط عراق نخواهد

ایران درنگ‌آمار

علم بهتر است یا ثروت؟!

علم بهتر است یا ثروت، موضوعی است که هر ایرانی درس خوانده‌ای دست کم یکبار درباره آن انشاء نوشته است. اما رابطه علم با ثروت در جامعه اسلامی، رابطه‌ای است که هیچ ایرانی در هیچ انشائی حتی تصور آنرا به ذهن خود خطور نداده‌است. مطابق آمار منتشره در یک گزارش روزنامه کیهان صاحبان بالاترین درآمدها در کشور ما (درآمدهای بیش از ۲۴۰ هزار تومان در سال) از نظر تحصیلی وضعیت زیر را دارند: ۲۱/۵ درصد آنها بکلی بی‌سوادند. ۷/۷۶

پیروزی رفسنجانی - خامنه‌ای

در یک جدال داخلی

بقیه از صفحه ۱

حساس را در دستور کار مجلس قرار دادند. کوشش اقلیت مجلس برای مسکوت ماندن این طرح به مدت ۶ ماه، ناموفق ماند. اکثریت مجلس امیدوار بود با تصویب این لایحه بتواند عناصری از شورای نگهبان و دولت رفسنجانی را قبل از انتخابات شامل تصفیه سازد.

اما این طرح بدلیل عدم شرکت گروهی از نمایندگان در جلسه مجلس رای کافی نیاورد و رد شد. دو روز بعد طرح "تثبیت تعداد کاندیدها در انتخابات" با قید سه فوریت در دستور قرار گرفت. اکثریت مجلس با تصویب این طرح موفق می‌شد انتخابات مجلس خبرگان را به تعویق اندازد، اما یک روز قبل از رای گیری، نمایندگان طرفدار خامنه‌ای - رفسنجانی با عدم حضور در مجلس، جلسه را از رسمیت ساقط کردند و آخرین تلاش تندروها برای جلوگیری از انتخابات بی نتیجه ماند.

گروه محتشمی - کروی پس از تلاش‌های ناموفق خود، در روز انتخابات عقب نشست و رای گیری بدون درگیری‌هایی که از سوی برخی منابع خارجی پیش بینی شده بود، صورت پذیرفت. حضور نیروهای مسلح ارتش و سپاه که بلافاصله پس از سخنان ۱۱ مهر خامنه‌ای، از او پشتیبانی کرده بودند، در اطراف حوزه‌های رای گیری یکی از عوامل عمده‌ای بود که سزان مخالفین را مجبور به عقب نشینی کرد.

بدین ترتیب با انجام انتخابات مجلس خبرگان، خامنه‌ای - رفسنجانی رقبای تندرو خود را یک گام دیگر به عقب راندند و آنان را بیش از پیش تحت کنترل درآوردند. نتیجه این نبرد از پیش روشن بود، مخالفین رفسنجانی - خامنه‌ای قادر به مقابله با رهبر و رئیس جمهور که مواضع عمده قدرت و نیروهای مسلح را در اختیار دارند، نبودند.

پشتیبانی شدید خامنه‌ای از شورای نگهبان تا حدودی برای افراطیون نامنتظره بود. هر چند یکی از مضامین اصلی اختلافات اخیر در مورد رهبری خامنه‌ای بوده است، اما جناح تند رو امیدوار بود که خامنه‌ای در این درگیری دست کم موضع بی طرفانه‌ای بگیرد. تا قبل از سخنرانی وی، نمایندگان تند رو مجلس بارها از او خواسته بودند که وارد عمل شود و شورای نگهبان را سر جای خود بنشانند. این نمایندگان در مخالفت با شورای نگهبان پیروی خود را به ولی فقیه اعلام داشته بودند، اما وقتی خامنه‌ای در برابر آنها موضع گرفت، آنها نیز تا حد نفعی رسمی و

آشکار رهبری وی جلو رفتند و بطور کامل از او قطع امید کردند. تا پیش از این، تندروها در مبارزه علیه رفسنجانی می‌کوشیدند به خامنه‌ای متکی شوند و از اختلافات رهبر - رئیس جمهور به سود خود بهره گیرند. مواضع دو پهلو و بینا بینی خامنه‌ای که هدفش حفظ وفاداری نیروهای پائینی این جناح بود، به تند روها در پیشبرد این هدف کمک می‌کرد. اما خامنه‌ای نه از نظر جهت گیری عمومی خود می‌توانست با افراطیون باشد و نه در ائتلاف با آنان که اکنون حلقه ضعیف در مجموعه رژیم هستند، قادر بود ادامه رهبری خود را تأمین کند، و وقتی درگیری‌ها به یک نقطه عطف رسید، در برابر این جناح به شدیدترین موضع گیری خود دست زد.

شدت درگیری، مواضع رادیکال سران جناح افراطی و موضع گیری تند خامنه‌ای موجب شد که در بین هواداران این جناح شکاف بیفتد. احمد خمینی از درگیری‌های اخیر کناره گرفت و با شرکت در انتخابات، عملاً هم فکراً خود را که این انتخابات را تحریم کرده بودند، تنها گذاشت، در سطوح پایین تر نیز این جدایی متحدین سابق محتشمی - کروی آشکار شد. آنها توانستند روزنامه کیهان را نیز به تبعیت از ولی فقیه وادار سازند.

بقیه از صفحه ۱۰

فلسطینی‌ها، غذائی، خمینی والی آخر، حلال دشمن خودشان را پیدا کرده‌اند: کل اهراب! برای حفظ منافع نفتی آمریکا، برای محافظت از کمپانی‌های انحصاری نفتی و برای بسیاری از بانکها و تراست های بین المللی که با دلارهای نفتی روی پای خودشان ایستاده‌اند در هر حالتی این سیاست می‌چربد.

معتقدم که تجاوز گری عراق به کویت، بزرگترین شکست مدنی، تاریخی و معنوی تمام عرب بوده است. طبیعی است اگر از خودمان بپرسیم: آیا ایالات متحده و متحدان آن آنقدر نسبت به خاور میانه غیر حساس بوده اند که هیچ انگشتی را برای جلوگیری از وضعیت دراماتیک واقع شده در کویت تکان نداده‌اند؟

کجا بودند آن هواپیماهای آواکس و انواع و اقسام تکنولوژی نظامی و ماهواره‌ها؟

نه! پاسخ اکثریت مردم به جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱۰

عدم استقبال مردم از این انتخابات تأکید نمودند. مطابق مجموعه گزارشهای دریافتی، تعداد رای دهندگان حتی از نصف کسانی که از حق رای برخوردار بوده‌اند، نیز کمتر بوده است. دلیل عدم استقبال مردم از قبل قابل پیش بینی بود. سران رژیم با اتخاذ روشی به شدت استبدادی نتیجه این انتخابات را از پیش

تعیین کرده بودند. در تهران ۱۵ نماینده مجلس خبرگان تنها از میان ۱۶ نفر برگزیده شدند. در سایر استانها نیز وضع بر همین منوال بود. گروه خامنه‌ای - رفسنجانی آزادی انتخابات را حتی از بخشی از حکومت نیز سلب کرد و در پاسخ اعتراضات، نیروهای مسلح خود را به صحنه آورد. این اقدامات بر بی اعتباری انتخابات دو چندان افزود.

در میان بسیاری از نیروهای پائینی رژیم که در درگیری‌های اخیر از ولی فقیه اطاعت کردند، حذف کامل تندروها که هنوز از نفوذ قابل توجهی در میان این نیروها برخوردارند، قابل توجیه نیست. به همین دلیل رفسنجانی - خامنه‌ای مایلند پروسه حذف نیروهای رقیب را به طور آرامتر و کم دردستری پیش ببرند و با بدست گرفتن اکثریت مجلس چهارم، تندروها را از آخرین سنگر باقی مانده نیز عقب برانند و از نفس بیاندازند.

با تضعیف جریان تندرو در حوادث اخیر اکنون رفسنجانی قادر است سیاست‌های خود در ۳ هرصه عمده مورد اختلاف یعنی جهت گیری‌های اقتصادی - سیاست خارجی و جذب تکنوکرات‌ها و متخصصین به جای نیروهای حزب الهی را با دست بازتری به پیش ببرد. اما قطعاً حذف تندروها، حتی اگر به طور کامل صورت گیرد - به معنای پایان یافتن درگیری‌های درونی در رژیم اسلامی نخواهد بود. از بین رفتن جناح بندی‌های فعلی، صف آرای‌های جدیدی را شکل خواهد داد و متغلفین امروزی را در برابر هم قرار خواهد داد. رفسنجانی تا تبدیل شدن به دیکتاتوری مطلق العنان و بی رقیب، راهی بس دراز و نامطمئن در پیش دارد.

عن به عنوان عرب به شمامی گویم که:

بنظر می‌رسد که تمامی اینها فطالان می‌توانند عمل کنند و بس! با همه اینها، یک چیز را نمی

توانم حدس بزنم و تحلیلی مشخص روی آن داشته‌ام: احساسات میلیون ها عرب و ناامیدی آنها را! توأم حدس بزنم و تحلیلی مشخص روی آن داشته‌ام: احساسات میلیون ها عرب و ناامیدی آنها را! توأم حدس بزنم و تحلیلی مشخص روی آن داشته‌ام: احساسات میلیون ها عرب و ناامیدی آنها را!

اگر در این روزها به حرفهای ژنرالهای پیمان آتلانتیک شمالی و آمریکایی گوش داده باشیم، خواهیم دید که مانورهای فرضی و تخیلی آنها در این رابطه که چگونه بایستی عراق را مورد حمله

رفسنجانی در مصاحبه با لوموند:

زمان لازم است که بدخواهی های آمریکا را فراموش کنیم

فرستاده بودیم نیز به ما بازنگردانند. زمان لازم است که ملت ایران بدخواهی‌های امریکایی‌ها را نسبت به خود فراموش کند.

خبرنگار لوموند پرسید: "جمهوری اسلامی می‌تواند خشم و نارضایتی‌اش را نسبت به زندانیان سیاسی که به نظر نمی‌رسد دیگر خطری برای امنیت جمهوری اسلامی باشد، فراموش کند، مثل کمونیست‌های حزب توده سابق و لیبرال‌های معتدل وابسته به رئیس پیشین دولت اسلامی آقای مهدی بازرگان؟"

فرستاده لوموند می‌نویسد: به هنگام این سؤال آقای رفسنجانی از گرداندن تسبیح به کلی باز ایستاد و خنده از چهره‌اش ناپدید شد و گفت: چریک‌های زندانی که افراد مسلح یا جاسوس هستند، درباره لیبرال‌ها سازمان اطلاعاتی ایران در نزد برخی از ایاتان اسناد و مدارکی دال بر ارتباط آنها با ایالات متحده بدست آورده، سیاست ما بردستگیری اشخاص خطرناک و نه در تعقیب کسانی است که چون دولت فکر نمی‌کنند!

وی به تهران پیرامون این موضوع را تکذیب نمود. رفسنجانی در مورد اشغال کویت و تغییر مرزهای جغرافیایی در منطقه خاطرنشان ساخت: ما به کویتی‌ها گفته‌ایم که اگر شما قبول کنید که جزیره بوبیان را در اختیار عراق بگذارید، ما به تغییر مرزها حتی در حداقل آن رضایت نخواهیم داد. با این حال اگر کویت بوبیان را در اختیار عراق قرار دهد ما با همه امکاناتمان مانع این امر خواهیم شد.

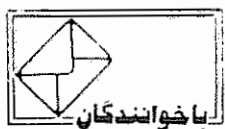
رفسنجانی در مورد رابطه با آمریکا گفت: ما هیچ گونه رابطه‌ای و هیچ گونه طرحی برای رابطه با این کشور نداریم و از نظر عموم ایرانیان کشوری است نامطلوب. در همین زمان که با شما حرف می‌زنم دارایی‌های ایران هنوز به وسیله امریکا مسدود است، بدون آنکه از وسایل یدکی نظامی حرف بزنم که بعایش را پرداخته‌ایم و هرگز تحویل نداده‌اند و به همین جهت شاید خجالت می‌کشند که هزینه انبارداری این وسایل را از ما مطالبه کنند. آنها تجهیزات نظامی را که برای تعمیر برایشان

اخیرا فرستاده ویژه لوموند مصاحبه‌ای با هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران انجام داد. هاشمی رفسنجانی در این گفتگو، مواضع دولت خود را تشریح نمود.

رفسنجانی شایعه کمک‌های جمهوری اسلامی به عراق و نقض قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در این مورد را رد نمود و بر حضور نیروهای خارجی، تا رفع تجاوز عراق از کویت صحه گذارد. وی در این زمینه گفت: نیروهای خارجی مستقر در خلیج فارس فقط به دلیل هجوم عراق به کویت در این منطقه حضور یافته‌اند، پس به محض اینکه کویت از نیروهای مهاجم تخلیه شود، نیروهای خارجی باید خلیج فارس را ترک گویند. در فیر این صورت افکار عمومی ایران که پیش از این از حضور این نیروها دچار ناراحتی شده، قطعاً خواستار اقدامی از سوی ما خواهند شد تا نیروهای خارجی را مجبور به ترک منطقه سازیم. رفسنجانی امکان اعزام نیرو از سوی جمهوری اسلامی به عربستان را رد کرد و شایعه مذاکره با حافظ اسد در سفر اخیر

قرار داد و یا اینکه کدام تاکتیک بهتر از تاکتیک دیگری باشد بسیار نامتعارف است. روزهای بسیار بدی را می‌گذرانیم. بنابراین چشم‌ها نه تنها به منطقه خاور میانه، بلکه به نیروهای موجود در منطقه مدیترانه و بقیه جهان نیز خیره شده‌اند.

ترجمه سرمقاله "اونیتا" روزنامه حزب کمونیست ایتالیا به تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۹۰
مترجم: محمود - ایتالیا



بقیه از صفحه ۹

شده "سپاسگزارم، کوشش اصلی مقاله مزبور علاوه بر برخورد تند، فیردمکراتیک، یکجانبه برخی از طرفداران سلطنت با سخنرانی فتم آوریل احمد شاملو، کوشش برای ایجاد گفتگو میان آتاهایی است که به دمکراسی می‌اندیشند آفاز چنین گفتگوهای یکی از اهداف مقاله "دمکراسی این آتایان" را تشکیل می‌دهد.

آقای حسین زاده پرسیده‌اند: "سوالم این است که شما از کجا پیش‌داوری کرده و مرا جزو سلطنت طلب‌ها قلمداد کرده‌اید؟ اگر ملاک شما چاپ شدن مقاله بنده در کیهان لندن می‌باشد که در مقاله خود نیز تلویحی اشاره‌ای به آن کرده‌اید، این موضوع نه به خاطر سلطنت طلبی بنده بلکه..."

"پاسخ این جانب این است: اولاً من بر این باورم که کودتاهای نیستم که هر کس در کیهان لندن مقاله بنویسد سلطنت طلب است. از جمله خودم هم مقاله‌ای با عنوان "کمی بیندیشیم" که محور

توضیح ضرور

دوستان عزیز! متأسفانه به دلیل حجم محدود صفحات نشریه اکثریت و بویژه همراه با افزایش نامه‌هایی که به دفتر نشریه می‌رسد، امکان درج

طرفدار دمکراسی و حکومتی هستم که مردم در آن نقش خود را انجام دهند، مردم گوشه و زوایای

حکومت را پر کرده، مرکز و قلب حکومت را اداره نمایند... ملاحظه می‌کنید که آقای قلی حسین زاده هم، سلطنت و دمکراسی را در برابر یکدیگر قرار داده‌اند. نتیجه میگیریم که در این زمینه به احتمال زیاد آقای حسین زاده و بنده هم نظر هستیم و این باعث خوشوقتی است.

آقای قلی حسین زاده در بخش دیگری از مقاله‌شان که در اکثریت ۱۳۸ درج شده است نوشته‌اند:

"...از نویسنده مقاله دمکراسی این آتایان می‌پرسم، در سرتاسر مقاله‌ای که من نوشته‌ام کجا به آقای شاملو توهین و بی احترامی و متک حرمت شده است؟"

پاسخ من اینست که در مقاله این جانب کوچکترین اشاره‌ای به بی حرمتی آقای حسین زاده به شاملو نشده است. اما مقاله مزبور به بی حرمتی‌ها و ترور شخصیت شاعر نامی ایران احمد شاملو از جانب آقای نوید بوستانی و آقای پرویز قاضی سعید با ذکر ماخذ اشاره صریح دارد.

به هر حال از اینکه نوشته اینجانب چنین استنباطی را در ایشان پدید آورده است بسیار متأسفم.

در پایان از آقای قلی حسین زاده که با مقاله خود باب بحث پیرامون نکات تازه‌ای را گشودند، تشکر می‌کنم.

نامه‌ها و مقالات طولانی هر بار برای ما محدود تر می‌شود. تقاضای ما این است که برای رفع این مشکل و امکان درج همه نامه‌ها، تا جایی که ممکن است خلاصه نویسی را رهایت کنید.

اصلی آن همانی است که در "دمکراسی این آتایان" آورده شده برای کیهان لندن فرستادم. (اگرچه چاپ نشد). هر کس آزاد است و می‌تواند از هر تریبونی که لازم دید حرفش را بزند و این به معنای تأیید گردانندگان آن تریبون نیست.

ثانیاً در مقاله مزبور به هیچ وجه از شما به عنوان طرفدار سلطنت نام برده نشده است. توجه شما را به مقدمه آن مقاله جلب می‌کنم:

"نوشته حاضر به بررسی نحوه برخورد اشخاصی که با انگیزه دفاع از پادشاهی و پادشاهان (مقاله آقای علی کمالوند - سوم مه) یا دفاع از ناسیونالیسم و ملیت گرایی (مقاله آقای قلی حسین زاده - ۲۶ آوریل) و یا با انگیزه تخطئه کردن کانون نویسندگان ایران و یا دفاع از شهبانو فرج (یادداشت های هفته - نوید بوستانی، ۲۶ آوریل) خواهد پرداخت." (از همان مقاله ص ۵ اکثریت ۳۰۳)

در آن مقاله تنها دوبار از آقای حسین زاده نام برده شده، یکی همان که در بالا آورده شد و دیگر هنگام ارائه خلاصه سخنرانی شاملو و در هیچ مورد حتی تلویحی به سلطنت طلبی ایشان اشاره نکرده‌ام.

در مورد اعتراض آقای حسین زاده به نظری که در پایان نوشته اینجانب آمده بود که: "در ایران سلطنت با دمکراسی در یک جانی گنجد" باید عرض کنم خود ایشان هم نیز در بخشی از مقاله "دمکراسی شما از چه نوعی است" به شکلی دیگر این نظر را داده‌اند. ایشان نوشته‌اند: "من طرفدار سلطنت نیستم، بلکه

شورای امنیت، اسرائیل را به اتفاق آرا محکوم کرد.

بقیه از صفحه ۱

قبل از آن قطعنامه‌ای که از سوی آمریکا به شورای امنیت ارائه شده بود توسط سازمان آزادیبخش فلسطین و برخی دول، بخاطر "بحدکافی شدید نبودن آن" رد شده بود.

اقدام غیر انسانی رژیم اسرائیل در کشتار فلسطینیان موج وسیعی از ابراز انزجار را نسبت به سرکوبگری های دولت اسرائیل برانگیخت. در سرزمین های اشغالی جنبش انتفاضه تحرک جدیدی یافت. در رسانه های بسیاری کشورها نیز اسرائیل آشکارا مورد حمله قرار گرفت. اما این اقدام بخاطر شرایط ویژه منطقه اثرات سیاسی و بازتابی وری سرکوبگری ها و آدمکشی های معمول اسرائیل یافت.

اشغال کویت توسط نیروهای دیکتاتور عراق که اعزام و تمرکز فوق العاده نیروهای نظامی آمریکا در عربستان سعودی و منطقه خلیج فارس را به دنبال داشت، منطقه را بطور جدی با خطر جنگ مواجه کرد. تجاوزگری و قتلرمنشی صدام حسین و سوادهای نظامی گیلانه و استراتژیک ایالات متحده، بار دیگر حضور منطق زور و استفاده از نیروی نظامی را در روابط بین المللی بازتاب داد و ضرورت ایجاد نظمی نوین و پرورش تفکر، نور بر پایه های زمینی و عینی با ضمانتی اجزائی مورد پذیرش جامعه ملل، مورد تاکید

برزمینه این نیاز، صدام حسین برای توجیه تجاوز خود به کویت و ادامه اشغال این کشور، حل مساله کویت را منوط به حل مسائل منطقه، تخلیه مناطق اشغالی فلسطینیان توسط اسرائیل و خروج نیروهای سوری از لبنان دانست. کشتار اخیر فلسطینی ها توسط اسرائیل این موضع را تقویت کرد. بر همین زمینه است که صدام حسین در میان توده های فلسطینی محبوبیت ویژه ای یافته است. در روز شنبه ۱۳ اکتبر همچنین اعلام شد که به دنبال حمله مشترک نیروهای سوری و ارتش لبنان میشل عون فرمانده شورشی ارتش لبنان و فرمانده دستجات مسلح مسیحی، نیروهای خود را تسلیم کرده و تصدپناهنده شدن به فرانسه را دارد. دولت فرانسه پذیرفتن پناهندگی میشل عون و تدارک فرستادن وی به پاریس را اعلام داشت. برای اینکه تسلیم ناگهانی میشل عون را بتوان حلقه ای از توافق هادر زمینه ایجاد تغییر و تحولات سیاسی در منطقه دانست و بتوان ارتباط روشنی را بین این واقعه و اوضاع منطقه خلیج فارس استنتاج کرد، هنوز شواهد کافی در دست نیست.

اما یک حکم را با قطعیت می توان بیان داشت، کشتار جنایتکارانه فلسطینی ها و انکار حقوق تاریخی خلق فلسطین توسط دولت اسرائیل، اشغال

نظامی کویت توسط عراق، وضعیت لبنان، اقدامات و امیال نظامیگران و ژاندارم منشانه ایالات متحده همه و همه نشانگر این ضرورت است که می بایست نظم نوینی در روابط بین المللی ایجاد شود.

جهان امروز نه نقش ژاندارمی ایالات متحده را می پذیرد و نه تجاوزگری و قتلرمنشی دولت ها و دیکتاتورها را. جهان مانایز مندیاماد بین المللی نوینی است. این نظم را باید نیروئی مورد پذیرش اکثریت جامعه ملل پاسدار باشد.

گالیندویل به تهران رفت

بقیه از صفحه ۱

پایمال کردن وحشیانه حقوق بشر در ایران را منعکس ساخت. اما بهیچ وجه نتوانست بازتاب دهنده جنایات رژیم اسلامی در زندانها و نقض مکرر حقوق بشر در ایران باشد. این گزارش از سوی بسیاری از سازمانهای سیاسی ایران، مورد انتقاد قرار گرفت و حتی در میان اعضای سازمان ملل متحد نیز نارضایتی هایی را برانگیخت.

اکنون انتظار می رود آقای گالیندویل در سفر تازه اش به تهران، نقایص گزارش اول خود را برطرف سازد و تصویری نسبتا واقعی از گدمال کردن حقوق بشر در ایران ارائه دهد. سرکوب آزادی های سیاسی،

"مصمم، اما در جستجوی صلح"

در دو شماره گذشته نشریه، برای اطلاع خوانندگان خود از مواضع تحلیلگران و سیاستگران بر جسته قریب، مقالات و موضع گیری هایی از کیسینجر، برژینسکی مقامات دولت اسرائیل و تونی بن از رهبران جناح چپ حزب کارگر را درج کردیم. در این شماره مقاله ای از سناتور مک گاورن را به چاپ می رسانیم. مک گاورن در سال ۱۹۷۲ از طرف حزب دمکرات کاندیدای ریاست جمهوری گردید که از ریچارد نیکسون شکست خورد.

کاهش سطح تحصیلات، آلودگی، بی نظمی اجتماعی و فقر تهدید می کند. جنگ آمریکایی در خاورمیانه همه مشکلات جدی داخلی امروز ما را تشدید خواهد کرد. در واقع ما نمی توانیم زیر بنای اجتماعی، فیزیکی کشور را بازسازی کنیم مگر آنکه بخش بزرگی از بودجه های عظیم جنگ سرد را به اهداف دوران صلح اختصاص دهیم.

علاوه بر همه این ها، مواضع ما در خاورمیانه در درازمدت در صورتیکه تفنگ آمریکا بسوی یک نیروی عرب شلیک کند تضعیف خواهد شد. برای کشیدن اعراب به سوی خواست های آمریکا، کشتن اعراب راه خوبی نیست. جالب است که ابرقدرتی که سالها رقیب ما بود، یعنی شوروی آشکارا راجع به این خطر به ما هشدار می دهد و بر ضرورت یک راه حل دیپلماتیک تاکید می نماید.

به نظر من امروز پرزیدنت بوش برای دستیابی به راه حلی بر اساس مذاکره که نه فقط خلیج فارس بلکه کل منطقه خاورمیانه را شامل شود نیازی به جنگ ندارد. پرزیدنت در مشابه قلمداد کردن تجاوز عراق به کویت با حرکت هیتر برای تسخیر جهان خطا می کند. حتی اگر صدام مایل هم باشد، وی فاقد نیروی نظامی و اقتصادی لازم است. همچنین، کابینه بوش چنان عمل می کند که گویا حوادث خلیج فارس از دیگر مسائلی که در خاورمیانه از دیرباز وجود داشته مجزاست.

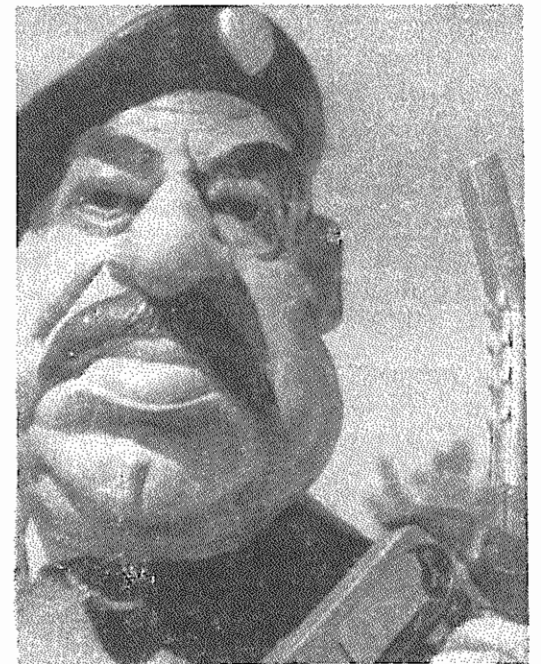
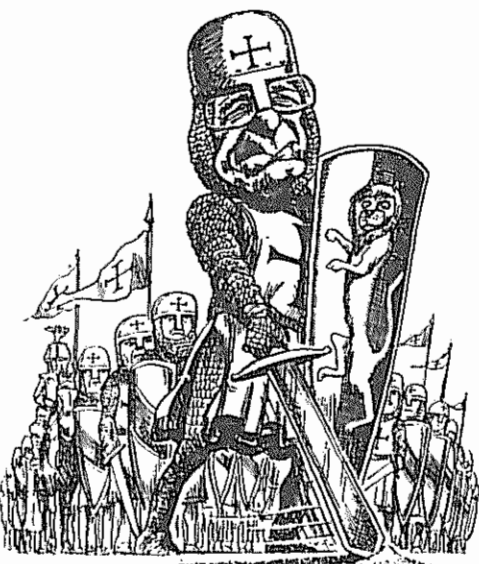
من امیدوارم که تحریم اقتصادی عراق و نیروی عظیم آمریکا در عربستان و خلیج بتواند بدون آنکه تلفاتی به هیچ طرف وارد شود مساله را حل کند. یک راه برای دستیابی به چنین نتیجه صلح آمیزی باز گذاشتن دره پروی عراق برای عقب نشینی از طریق مذاکره است. کابینه بوش باید نطق های آتشین را محدودتر کرده، بر نقش سازمان ملل تاکید نموده و کمتر در جهت تحقیر و خوار کردن صدام بکوشد و در جستجوی راه حل های عملی باشد. در اینجا شکست عمل کرده است. بدون شک صدام مردی نیرومند و به همان گونه که وسیعا گفته می شود بی رحم است. ولی در دهه گذشته زمانیکه او ایرانیها را

اعمال فشارهای شدید به آزادیخواهان، آزار، اذیت و کنترل مداوم زندانیان سیاسی آزاد شده، شکنجه و شرایط غیر انسانی در زندانها، رفتار وحشیانه با زندانیان سیاسی، از جمله مواردی است که در آرایه یک گزارش واقعی از وضعیت حقوق بشر در ایران باید مورد توجه قرار گیرد. روشن ساختن نکات هر چه بیشتری از تاریکی ها و ابهامات فراوانی پیرامون فاجعه ملی سال ۶۷ و کشتار دسته جمعی هزاران زندانی سیاسی در ایران، انتظار دیگری است که نسبت به سفر آقای گالیندویل به تهران وجود دارد. هزاران خانواده قربانیان این فاجعه و همه آزادیخواهان ایرانی خواهان آنند که بازرس رسمی کمیسیون حقوق بشر، مقامات رژیم را برای توضیح پیرامون این جنایت هولناک و روشن ساختن جوانب آن مورد فشار قرار دهد.

اسرائیل و فلسطین می کوشد. مساله ای که سالهاست کل خاورمیانه را تحت تاثیر خود قرار داده و بدون شک در بحران کنونی خلیج نیز نقش ایفا کرده است. سالهاست که لبنان هملا تجزیه شده و از کشتار و خونریزی و دخالت اسرائیل رنج می برد. ۸ سال ایران و عراق جوانان خود را به کشتن دادند. یک میلیون انسان در یک جنگ بی معنا نابود شدند. جنگی که صدام امروز حل نهایی آن را پیشنهاد می دهد.

همه این موارد می تواند در دستور کار کنفرانس بین المللی فراخوانده شده توسط سازمان ملل و تحت رهبری آمریکا قرار گیرد. چنین کنفرانسی می تواند برای صدام راه حل عملی بیابد که اختلافات قدیمی خود را با کویت حل کند. برای اسرائیل امکاناتی فراهم کند که با سوریه و فلسطین به گفتگو بنشیند و برای مشکل لبنان راه حل هایی بیابد و برای همه نیروهای ذینفع در خاورمیانه امکانات مصالحه فراهم سازد. انجام موضوعات مورد توافق در این کنفرانس می تواند توسط یک نیروی حافظ صلح بین المللی تضمین گردد.

همه جنگ ها به میز مذاکره ختم شده اند چرا نباید تلاش کنیم که جنگ خلیج را پیش از آنکه خونی جاری شود به اطلاق کنفرانس بکشانیم. منافع من در این مساله تنها آکادمیک و سیاسی نیست. من سه نوه ۱۸ تا ۲۰ ساله دارم. من نمی خواهم شاهد آن باشم که آنها در جنگی به خاطر نفت و رقابت قدرت های کور که می تواند در میز کنفرانس حل شود قربانی گردند. من در سال ۱۹۶۵ به عنوان یک سناتور با فرزندخوانده آینده خود، یک نای ۲۰ ساله که از جنگ خونین دره درانگ آمده بود ملاقات کردم. من نمی خواهم که چنین تجربه ای را با نوه هایم در جنگی که می توان با دوراندیشی و تدبیر از آن اجتناب کرد تکرار کنم. خون از نفت گرانتر است.



تغییرات تازه در سیاست ..

بقیه از صفحه ۱

از تزلزل ها و سردرگمی های اولیه - به دنبال سفر حافظ اسد به تهران نمایان شد. حافظ اسد در این سفر موفق شد مقامات رژیم اسلامی به ویژه هاشمی رفسنجانی را متقاعد سازد که از نزدیکی با عراق پرهیز کنند و از مخالفت با حضور نیروهای خارجی در منطقه خلیج فارس، تا زمانی که کویت در اشغال عراق است، دست بردارند. مواضع اخیر دولت رفسنجانی نشانه پذیرش نسبی دیپلماسی آمریکا در قبال بحران توسط این دولت تلقی شده است. حافظ اسد در این میانه نقش مجری پیشبرد این سیاست را ایفا نموده است. به نظر می رسد که با عقب راندن تندروها در جریان درگیری های اخیر، رفسنجانی بتواند با دست بازتری این سیاست را دنبال کند.

تغییر در سیاست رژیم نسبت به بحران منطقه و فاصله گرفتن بیش از پیش آن از رژیم عراق - پس

از رویدادهای ایران

دستگیری گسترده دستفروشان

ماموران پلیس تهران در سطح گسترده‌ای به دستگیری دستفروشان پرداخته‌اند. رئیس پلیس تهران طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد طی نیمه اول مهر ماه ۹۸۰ سیگار فروش جز دستگیر شده‌اند و از آنان بیش از ۲ میلیون نخ سیگار و ۲ هزار بسته توتون کشف شده است. سرטיب عباس امیریان رئیس پلیس تهران در این مصاحبه به توجیه دلایل این اقدام که زیر پوشش طرح مبارزه با مشاغل کاذب صورت می‌گیرد، پرداخت و گفت: جاذبه مشاغل کاذب در تهران باعث جذب نیروهای مولد جامعه از بخش کشاورزی و صنعتی به تهران شده است. لذا در جهت مبارزه با مشاغل کاذب و رفع سد معبر طی چند روز گذشته ماموران گشت تامین علاوه بر مبارزه با سیگار فروشان تعداد ۳۳۰۸ تن از حاملین مشاغل کاذب و متکدی را دستگیر کرده‌اند. امیریان افزود: سیگار فروشان به طور سندی کاری نمی‌کنند و برای حفظ منافع خود حتی حاضر به درگیری مسلحانه نیز می‌باشند. رئیس پلیس تهران مدعی شد که مشاغل کاذب به رشد فرهنگ تن پروری و انواع جرایم منجر شده است. او گفت که ماموران پلیس به دستور دادستان انقلاب اسلامی به دستگیری دستفروشان به ویژه سیگار فروشان ادامه خواهند داد.

آنچه که در مصاحبه رئیس پلیس تهران نگفته ماند، دلایل واقعی رشد مشاغل کاذب در جامعه ما است. دلایلی نظیر رکود تولید، بیکاری، پایین بودن دستمزدها و کمبود گسترده اجناس، دولت و تجار بزرگترین عوامل بروز و گسترش مشاغل کاذب هستند. اما در جمهوری اسلامی رسم بر این است که همواره عاملان اصلی مشکلات اجتماعی از هر گونه تعرضی مصون بمانند.

ویزای جهانگردی

روزه صادر می‌شود
مرتضی حاجی معاونت سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی در همدان اعلام داشت که ویزای جهانگردان برای سفر به ایران در مدت ۱۰ روز صادر خواهد شد. این امر با هماهنگی وزارت امور خارجه انجام خواهد گرفت. وی در این مصاحبه خاطر نشان ساخت که طی سال گذشته بیش از ۹۰ هزار توریست از ایران دیدن کرده‌اند که ۳۵ میلیون دلار درآمد ارزی آن بوده است. حاجی افزود: این رقم با توجه به امکانات و جاذبه‌های موجود در کشور در حد صفر است و قانع کننده نیست. طی ۳ ماه اول سال جاری ورود جهانگردان نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۵۰ درصد افزایش داشته است.

وی در ادامه این مصاحبه هلام کرد: بزودی ۳۶ واحد خدماتی مسافری در کشور ایجاد می‌شود که کار آنها برگزاری تورهای جهانگردی و ایرانگردی، ارائه خدمات مسافرتی، فروش بلیط، رزرو هواپیما و حمل و نقل می‌باشد. طی سال جاری ۳ میلیون دلار سهمیه ارزی برای توسعه جهانگردی اختصاص یافته و در برنامه ۵ ساله نیز ۴۸۰ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مشارکت بانکها در این زمینه پیش‌بینی شده است. صنعت توریسم بعد از انقلاب اسلامی در ایران بشدت صدمه دیده و تاسیسات توریستی رو به نابودی گذاشته است، از جمله از مجموعه ۴۳۱ مهمانخانه در سال ۵۷ تاکنون، ۵۸۱ همدان از بین رفته است.

ورشکستگی عمومی

در سال ۱۳۶۷، مطابق آمار رسمی ۲ میلیون و یکصد هزار نفر بیکار بوده اند، که اگر متوسط افراد خانواده را ۵ نفره فرض کنیم، بیش از ۱۰ میلیون تن در جامعه ما در فقر می‌بوده‌اند. اما مسئله فقر ابعادی فراتر از این دارد. متوسط هزینه‌های سالیانه یک خانوار شهری در این سال برابر ۱۸۰ هزار تومان بوده است در حالیکه متوسط درآمد سالانه خانوارهای شهری در همین سال از ۱۳۴ هزار تومان تجاوز نکرده است. بنابراین هر خانواده شهری بطور متوسط سالانه ۴۶ هزار تومان (ماهانه حدود ۴ هزار تومان) کسر بودجه داشته است! ت با ۸۶۰ هزار تومان برای تفریحات □ در هر خانوار شهری متوسط هزینه خوراکی ۷۶ هزار و ۵۰۰ تومان بوده است. ۳ هزار و ۸۲۶ تومان هزینه‌های دختی و حدود ۹۹ هزار و ۷۴۰ تومان هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در میان هزینه‌های غیر خوراکی هزینه اجاره بها ۴۴ هزار و ۲۵۶ تومان بیشترین رقم را به خود اختصاص داده. هزینه تفریحات و سرگرمیها برای یک خانواده شهری در سال برابر با ۸۶۰ هزار تومان بوده است! آیا چنین جامعه‌ای را نباید از بیخ و بن تغییر داد؟

هفته وحدت و مناقشات برادرانه

رژیم جمهوری اسلامی، به رسم هر ساله از روز چهارشنبه "هفته وحدت" را آغاز نمود. هدف از برگزاری این هفته، ظاهراً تحکیم وحدت میان شیعیان و سنی‌هاست. اما هفته وحدت امسال با هفته جنگ و جدال‌های بی‌سابقه‌ای همراه شد و با نطق شدیدالجن خامنه‌ای علیه مخالفان و درگیری‌های بعدی آغاز گردید. شدت درگیری بین گروه‌های مختلف حکومتی به جایی رسید و چنان فضای سیاسی جامعه را تحت تاثیر قرار داد که دیگر جایی برای بحث و گفتگو پیرامون وحدت باقی نماند. خامنه‌ای روز دوشنبه گذشته در سخنرانی خود کوشید نشان دهد که وحدت حکومتیان کماکان باقی است. وی درگیری‌های اخیر را کم اهمیت جلوه داده و آنها را "مناقشات برادرانه" از جمله این مناقشات برادرانه خواند که در آستانه هفته وحدت و در جریان آن اتفاق افتاد، درگیری و کتک کاری برادران در مجلس شورای اسلامی و فحش‌های آبداری بود که آنها نثار هم کردند!

آموزش به زور سر نیزه

حجت الاسلام محسن قرائتی نماینده خامنه‌ای در نهضت سوادآموزی، ضمن سخنرانی برای مسئولین این نهضت اعلام کرد: اگر اقدامات تشویقی برای حضور بیسوادان در کلاس‌های نهضت مفید واقع نشود، تدابیری اتخاذ شده است که بیسوادان به اجبار در کلاس سوادآموزی حضور یابند. وی مدعی شد که از بهار امسال که رئیس‌جمهور طرح بسیج سوادآموزی را اعلام کرد، تعداد افراد تحت پوشش نهضت به ۵ برابر دوره‌های قبلی رسیده است. قرائتی افزود: امسال با همکاری نزدیک و تنگاتنگ جهاد سازندگی بسیاری از روستاهای کشور زیر پوشش نهضت سوادآموزی قرار می‌گیرند.

علیرغم وعده‌های حجت الاسلام فوق‌الذکر، بیسوادی در ایران نه تنها مهار نشده، بلکه همچنان رو به افزایش است. اعتراضات هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته، گویای همین واقعیت است. نونهالان و نوجوانان بسیاری به دلیل هزینه‌های کم‌رشدن تحصیل از ورود به مدارس محروم می‌مانند. بزرگسالان نیز صبح تا شب به دنبال لقمه‌ای نان می‌روند و فرصتی برای سوادآموزی ندارند. به جای تهدید - که شیوه مرسوم حکومت آخوندهاست - باید دشواری‌های واقعی بر سر راه ریشه‌کن ساختن بیسوادی را از میان برداشت.

احداث دومین سد بر رودارس

بیژن نامدار زنگنه هفته گذشته اعلام کرد که ایران و شوروی پس از ۲۰ سال مذاکره توافق کرده‌اند که سد دیگری بر رود ارس بنا کنند. اخیراً هیئتی از سوی شوروی برای امضای قرارداد احداث سد فوق به تهران سفر کرد. این سد در منطقه خداترین در فاصله مرزی بین آذربایجان ایران و شوروی ساخته خواهد شد. به گزارش خبرگزاریها گفتگوهای بین مقامات دو کشور در مورد گسترش نیروگاههای برق اصفهان و اهواز نیز صورت گرفته در زمینه‌های فوق توافق‌هایی بدست آمده است.

علم بهتر است یا ثروت؟!!

بقیه از صفحه ۱

مطابق این آمارها، بیش از ۶۰ درصد صاحبان بالاترین درآمد در کشور، تحصیلاتی کمتر از دیپلم دارند. در جامعه ما ثروت و ثبات دست بی سوادهاست!

ت با ۶ میلیون شافل برای ۵۰ میلیون جمعیت □ بر پایه این آمارها، در سال ۱۳۶۵ حدود ۲۰ میلیون و ۸۲۰ هزار نفر نیروی کار (شافل و بیکار) در جامعه ما وجود داشته است. آمار رسمی رقم بیکاران را یک میلیون و ۸۱۹ هزار ذکر کرده است. از ۱۱ میلیون فرد شافل ۳۱۵ هزار نفر زیر ۱۴ سال و ۳۵۶ هزار نفر بالای ۱۴ سال داشته‌اند که مطابق عرف اقتصادی دارای بازده بسیار پائین در کار هستند حدود ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر نیز در بخش خدمات غیر مولد مشغول به کار بوده‌اند، با احتساب ارقام فوق مجموعه شافلان مولد در این سال تنها کمی بیش از ۶ میلیون نفر بوده است. ۶ میلیون شافل مولد برای ۵۰ میلیون انسان!



حافظ اسد در دیدار آخوندی خود با سران جمهوری اسلامی

تخریب آلونک‌ها در تهران

سمینار نمایندگان

شهریور جنوبی راجع آوری کرد و ساکنان این آلونک‌ها را در آستانه شروع سرما بدون سرپناه باقی گذارد. از چندی پیش مناطق بیستگانه شهری تهران همراه با ماموران مسلح کمیته‌ها مجدداً یورش به پناهگاه‌های محقر اطراف تهران را آغاز کرده‌اند. ساکنان این آلونک‌ها را بدون هیچ‌گونه مسئولیتی به حال خود رها ساخته‌اند. این اقدام در شرایطی صورت می‌گیرد که گرانی و کمبود مسکن هر روز بخش‌های وسیع‌تری از مردم را به آلونک‌نشینی وادار می‌سازد. تخریب آلونک‌ها در بسیاری موارد با اعتراض و مقاومت ساکنین آنها مواجه شده است.

شهرداری تهران با حمایت ماموران مسلح کمیته انقلاب اسلامی تهران، ۶۴ آلونک واقع در انتهای خیابان ۱۷

دانشگاه‌ها و راه‌های خنثی ساختن این اعتراضات اختصاص یافت. آیت‌الله گیلانی عضو شورای مرکزی نمایندگان خامنه‌ای در دانشگاه‌ها، نقش روحانیون در دانشگاه‌ها را حساس و ضروری نامید و گفت: روحانیون نباید از جو سازی‌هایی که ممکن است علیه آنها در دانشگاه‌ها صورت بگیرد بگریزند، چون وظیفه آنها حاکمیت اسلام و اهداف انقلاب اسلامی در دانشگاه‌هاست.

خامنه‌ای در دانشگاه‌ها

سرپرستان دفاتر نمایندگان "مقام رهبری" در دانشگاه‌های کشور، طی یک سمینار دوازده روزه به بررسی وظایف خود در دانشگاه‌ها پرداختند. این گردهمایی که به دنبال سخنان خامنه‌ای و رفسنجانی مبنی بر ادامه حضور روحانیون در دانشگاه‌ها تشکیل شد، چگونگی نفوذ بیشتر روحانیون در دانشگاه‌ها و افزایش توان آنها به منظور دخالت در امور دانشگاهی را مورد بررسی قرار داد. در این سمینار توجه ویژه‌ای به مقابله با اعتراضات جامعه دانشگاهی نسبت به دخالت روحانیون در

جبهه‌ای در کار نیست، اما کوچه‌ها گریانند

برایش توضیح داده‌اند:

همه فکر می‌کردند در جبهه شهید شده‌ای. همراهات این خبر را آورده بودند. کمیته و بسیج محل هم حتی، این خبر را تأیید کرده بودند و ... وقتی با همسرش صحبت کرده - همسری که حالا و را به چشمی دیگر می‌نگرد - وقتی از او پرسیده که چرا در انتظارش نمانده و او را به این مصیبت دچار کرده، توضیح شنیده است که:

پس از شنیدن خبر شهادت، پس از سوگواری از دست دادن شوهرم که تو باشی، یک سال به عزایت نشستم. یک سال به بدبختی‌ام فکر کردم، به تیر و روزی بچه‌هایمان و سر نوشت تلخی که دچارش شده بودم، و به سر نوشت تلخی که در انتظارم بود ...

آخر چرا با برادر از دواج کردی، چرا ... من از دواج نکردم، او مرا گرفت. برادرت می‌خواست در حق بچه‌های برادرش خوبی کند. می‌خواست سرپرست بچه‌ها همایشان باشد و نه که یک مرد دفرینه. خواست که با برادرش صحبت کند، اما منصرف شد، چه بگوید؟ چه می‌توانست بگوید؟ چه بخواهد؟ و چه می‌توانست بخواهد؟ موضوع پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. همسرش در این مدت از او صاحب یک فرزند شده است.

به او گفته بودند که باید تحمل کند، گفته بودند که او تنها نیست، از این حادثه بسیار اتفاق افتاده است. گفته بودند کم نیستند اسیرانی که به چنین دردی دچارند و همه به نوبه‌ای آن را پذیرفته‌اند. به نوبه‌ای تحمل کرده‌اند.

او، اما، نتوانست تحمل کند؛ زیر آوار در درونج‌له شد، مهار عقل از کف داد، تن به احساسات جریحه‌دار سپرد، قلب شرع‌ش را به دیگر تپیدن نتوانست. دست به خودکشی زد. پایان درد. پایان کابوس‌های وحشتناک.

جبهه‌ها آرمانند، اصلاً جبهه‌ای وجود ندارد. جنگی در کار نیست. اما قربانی جنگی که دیگر نیست، از درون قاب شیشه‌ای به بیرون می‌نگرد. چراغ‌های حمله در تاریک روشن فروب، رهگذرانی را که از دور در امتداد کوچه در گذرند، به خود می‌خوانند. شمع‌های نیم سوخته روی رف حمله، قد خم کرده‌اند. شمع‌ها گریانند.

درگذشت پوران، خواننده معروف ایران

ادامه داد. او پس از انقلاب مدت چهار سال در آمریکا اقامت داشت و سپس به ایران بازگشت. او با آغاز انقلاب خوانندگی را برای همیشه کنار گذاشت. دو سال پس از بازگشت به ایران به بیماری سرطان سینه دچار شد. از "پوران" ترانه‌های معروف "نیلوفر"، "گل اومد-بهار اومد"، "شانه"، و "کیه کیه در میزنه" را بسیاری از ایرانیان به خاطر دارند و آواز مزه می‌کنند.

"پوران" که در رادیو ایران به نام پوران شاپوری معروف بود، از ۴ سال پیش مبتلا به بیماری سرطان شده بود روز چهارشنبه ۱۶ مهر (۱۵ اکتبر) در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت. "پوران" که در میان دو سه نسل از مردم ایران طرفدارانی داشت، از سال ۱۳۳۱ همکاری اش را با رادیو ایران آغاز کرد و تا پیش از انقلاب همکاری خود را با رادیو ایران همچنان

شطرنج قهرمانی جهان:

گاسپارف - کارپف بار دیگر در برابر هم



گاسپارف - کارپف به نتیجه مساوی رسید. اما در بازی دوم گاسپارف که با مهره سفید بازی می‌کرد، موفق شد در چهل و چهارمین حرکت خود، حریف هم وطنش را به تسلیم وادارد و در پایان دور دوم به نتیجه ۱/۵ بر ۵/۵ از کارپف پیشی بگیرد. این مسابقات به مدت ۲ ماه ادامه خواهد یافت.

گاری گاسپارف قهرمان شطرنج جهان و آناتولی کارپف برای پنجمین بار در روی یکدیگر نشستند تا دور تازه‌ای از مسابقات قهرمانی شطرنج جهانی را آغاز کنند. دوره تازه مسابقات در شهر نیویورک برگزار می‌شود. هر کدام از این دو قهرمان که بتوانند ۱۲/۵ امتیاز کسب کنند، عنوان قهرمانی جهان را از آن خود خواهند کرد. نخستین مسابقه

فوتبال

جام حذفی باشگاه‌های ایران

باشگاه‌های ایران جام

در دلدل یک قهرمان!

مسابقات فوتبال منطقه‌ای باشگاه‌های ایران در ۴ منطقه ادامه دارد. در اصفهان تیم تام این شهر یک بر صفر کاوه بندر عباس را شکست داد. استقلال یزد در خانه خود ۲ بر ۱ بر برقی شیراز پیروز شد. در شیراز کما شیراز ۴ بر صفر زاندارمری اصفهان را شکست داد. در رشت استقلال این شهر با یک گل از سه تراکتورسازی تبریز گذشت. جنوب اهواز با ۹ گل میهمان خود پرسپولیس دهم شد را مغلوب کرد. در قائم شهر نساجی مازندران ۵ بر صفر پاس همدان را مغلوب کرد. در کرمان دارائی کرمان ۳ بر صفر مقابل پیروزی چاه بهار به پیروزی رسید. صنعت نفت شاهرود با ۴ گل مغلوب ابو مسلم مشهد شد. استقلال ایلام ۲ بر ۳ به استقلال اهواز باخت. پاکدین ارومیه ۱-۲ مغلوب سپید رود رشت شد. در بوشهر شاهین این شهر با موسسه رازی کرج صفر بر صفر مساوی کرد. پیام مشهد و المپیک زنجان نیز بدون گل مساوی شدند. ماشین سازی تبریز ۵ بر صفر پرسپولیس بیجار را مغلوب ساخت.

مجید ترکان در مسابقات جهانی کشتی در کشور ژاپن، که چندی پیش برگزار شده، کاری بزرگ کرد و با پیروزی بر یوردانف بلغاری، قهرمان ۴ ساله جهان، بر سکوی افتخار وزن ۴۸ کیلوگرم ایستاد. این قهرمان در دلدلش را با خبر نگار مجله کیهان ورزشی چنین عنوان می‌کند: نه! بنویسید که من دیگر کشتی نخواهم گرفت. باید به مشکلاتم برسم. من نمی‌ترسم و نترسیدم. یک سال دیگر هم زحمت کیشم و می‌کنم. چون جهانی‌ام دوباره می‌رسم، چون که الان در اوجم. تفاوتش این است که یوردانف را ۱۱ سال ۲-۸ بردم. سال دیگر ۱-۲ برم. اما بهر حال دیگر می‌برمش. نمی‌بازم. اما باید به مشکلاتم برسم. اگر نرسد بنویسید که من دیگر کشتی نخواهم گرفت. در کشوری که قهرمانش چنین با درد سخن می‌گوید، وای به حال دیگران!

این مسابقات در ۲ گروه انجام خواهد شد و ۴ تیم برتر هر گروه مجدداً در یک گروه به طور دوره‌ای مسابقه خواهند داد، تا قهرمان تهران تعیین شود. مسابقات فوتبال قهرمانی جوانان کشور با پیروزی فوتبالبستهای خوزستان پایان یافت. این مسابقات در مشهد برگزار شد و تیم خوزستان مسابقه نهایی را ۳ بر ۲ در برابر بوشهر به پیروزی رسید. فوتبالبستهای مازندران به مقام سوم دست یافتند. قهرمانی نوجوانان به تیم لرستان رسید. لرستان در دیدار پایانی با یک گل خراسان را شکست داد. نوجوانان تهرانی عنوان سوم را کسب کردند. مسابقات فوتبال نوجوانان، در شهر بیرجند انجام شد.

خراسان قهرمان شد و در دیدار رده بندی خوزستان ۸-۷ از سد تهران گذشت. از حوادث جنجالی این مسابقات کتک کاری داور خوزستانی مسابقه رده بندی و اتروپلو با یکی از بازیکنان تیم تهران بود. داور این مسابقه در پاسخ اعتراض تهرانی‌ها به نحوه قضاوت خود، با یک بازیکن تهرانی درگیر شد و با ضرب سر بینی جوان مذکور را شکست! تیم ملی والیبال ایران فاتح شانزدهمین دوره مسابقات بین المللی جام و اشاف مجارستان شد. در این مسابقات ۴ تیم از کشورهای لهستان، مجارستان، شوروی و ایران شرکت داشتند. ایران هر ۳ مسابقه خود را به پیروزی رساند. [از روز دوشنبه این هفته، پیکارهای دسته اول والیبال تهران آغاز می‌شود. در این مسابقات ۶۱ تیم شرکت دارند.



اخبار کوتاه

۳۷مین دوره مسابقات کشتی فرنگی قهرمان جهان جمعه این هفته، ۲۷ مهر (۱۹ اکتبر) در ایتالیا آغاز خواهد شد. در این مسابقات که ۴ روز بطول خواهد انجامید، ۴۷ کشور جهان، از جمله تیم ملی کشتی فرنگی ایران شرکت دارند. [نهمین دوره مسابقات والیبال قهرمانی دسته اول جوانان ایران در شهرستان کردکوی برگزار شد. در این مسابقات ۱۵ تیم از استان کشور شرکت داشتند. تیم جوانان مازندران در فینال با نتیجه ۳ بر ۲ آذربایجان غربی را شکست داد و عنوان قهرمانی را بدست آورد. مازندران با این پیروزی برای ششمین سال والیبال قهرمانی ایران را فتح کرد. تیمهای آذربایجان غربی، باختران و زنجان عناوین دوم تا چهارم را بدست آوردند. [مسابقات شای قهرمانی جوانان ایران با شرکت برگزیدگان ۱۵ استان در شهر اهواز به انجام رسید. در مسابقات شنا تیم تهران با کسب ۴۶۵ امتیاز به مقام قهرمانی رسید. تیمهای خوزستان با ۴۳۸ امتیاز، گیلان با ۳۸۲ امتیاز، خراسان با ۳۲۸ امتیاز مقامهای بعدی را تصاحب کردند. در واترپلو، تیم کرمان با پیروزی ۱۵ بر ۷ مقابل

ریشه‌های ناتوانی ورزش ایران در چیست؟

در سایر رشته‌ها و از جمله ورزش زنان تیمهای ایران حتی در آسیا نیز -جز تک درخشش‌های انفرادی - حرف چندانی برای گفتن نداشتند.

پس از حاکمیت رژیم اسلامی سطح ورزش ایران به یکباره و به طور چشمگیری افت کرد. به طوریکه مقام قهرمانی فوتبال، نخستین عنوانی است که طی ۱۲ سال در این رشته بدست آمد، و زنده‌برداری به طور کامل روبرو نابودی گذاشت، در سایر رشته‌ها، از آن چه بودیم چندین گام دیگر عقب رفتیم، ورزش زنان منهدم گردید، کشتی فرنگی از نفس افتاد و تنها در رشته کشتی آزاد، آن هم به دلیل ریشه‌های چند صدساله این ورزش - هنوز نیمه پیروزی‌هایی بدست می‌آید.

دلایل تعقیری ورزش ایران، در مملوهای و جامعه ورزشی ایران بسیار مورد بررسی قرار گرفته و از جنبه‌های گوناگونی بدان پرداخته شده است. اما این بررسی‌ها و انتقادات تنها در یک چارچوب مجاز صورت گرفته و می‌گیرد و دلایل عمقی تر را به دلیل آنکه متوجه انتقاد ریشه‌ای از کلیت رژیم و ایدئولوژی عقب مانده آن می‌شود، ناگفته باقی می‌گذارد.

بخشی از دلایل ضعف ورزش ایران - که بکرات نیز مورد اشاره جامعه ورزشی قرار می‌گیرد - مسایل فنی، برنامه‌ریزی و بودجه است. بودجه‌ای که برای ورزش ایران اختصاص می‌یابد، بسیار ناچیز است، امکانات ورزشی در ایران بسیار اندک، محدود و ابتدایی است، به طوریکه حتی در رشته‌ای نظیر فوتبال با کمبود توپ و در کشتی با کمبود تشک مواجه هستیم، برنامه‌ریزی در ورزش ایران وجود ندارد، حداقل ثبات در فدراسیون‌ها به چشم نمی‌خورد، مسئولین فدراسیون‌ها پی در پی تغییر می‌کنند و... دهه‌ها دلیل از این دست می‌توان برشمرد. اما همه این‌ها در واقع معلول‌ها هستند. برای بررسی همل ستود و افول ورزش ایران باید از این چهارچوب فراتر رفت و دلایل اصلی و واقعی را جستجو کرد. در توضیح همل واقعی سقوط ورزش ایران می‌توان بر ۲ عامل اساسی تاکید نمود. اول: دیدگاه رژیم جمهوری اسلامی در برخورد با پدیده‌ای بنام ورزش و دوم: تأثیرات خصلت استبدادی حکومت در فلج کردن دستگاه ورزش کشور.

در شماره آینده نشریه به بررسی عوامل مذکور می‌پردازیم.

بازیهای آسیائی پکن یکبار دیگر ضعف مفرط و بیریشگی ورزش ایران را نمایان ساخت. دست اندکاران رژیم از هم اکنون در تلاشند تا این ضعف و شکست را در پرتو پیروزی درخشان تیم ملی فوتبال پنهان سازند. اما این پیروزی چیزی از واقعیت شکست ورزش ایران در بزرگترین میدان آسیائی‌ها، این واقعیت بر کسی که اندکی به ورزش علاقمند باشد امری است آشکار در این بازی‌ها به جز تیم ملی فوتبال، ورزش ایران در هیچ رشته‌ای حتی کشتی آزاد به مقام قهرمانی آسیا دست نیافت و در بسیاری از رشته‌ها - نظیر وزنه برداری - تنها یک زنگ تفریح بود. اردوی پر شمار ورزشکاران ایران در این بازی‌ها به ۲۵ مدال - که تنها ۴ مدال طلائی بود - دست یافت، یعنی به ازای هر ۷ ورزشکار یک مدال و اگر مدالهای کشتی را به کنار بگذاریم این رقم به حدود ۲۵ می‌رسد! این در حالی است که کشوری چون چین، تقریباً اکثر قهرماناناش به مدال دست یافتند. فاصله تیم ما که مقام پنجم را بدست آورد با تیم اول آسیا یک فاصله بسیار همیق و به کلی غیر قابل قیاس است.

ورزش ایران برخلاف آنچه که طرفداران رژیم گذشته می‌کوشند و انمود سازند، هرگز حتی در سطح آسیا، یک ورزش طراز اول نبوده است. تنها موفقیت قابل توجه ایران، مربوط به بازیهای آسیائی ۱۹۷۴ تهران است که ایران پس از ژاپن مقام دوم آسیا را بدست آورد. اما این مقام علاوه بر تلاش قابل تحسین ورزشکاران به عوامل دیگری نظیر برخورداری از امتیاز میزبانی نیز مربوط می‌شد. رقم بالای مدالهای ایران در آن سال به نحوه توزیع مدال‌ها باز می‌گشت. تحت فشار و نفوذ ایران در ورزشهای تیمی در هفتمین دوره بازیهای آسیائی به هر بازیکن یک مدال خلق گرفت در حالیکه در بازیهای آسیائی پکن هر تیم تنها یک مدال دریافت کرد. در نتیجه پیروزی نیمه‌ای نظیر فوتبال و واترپلو مدالهای طلائی را بر اوانی را به اردوگاه ایران آورد. به جز این دوره نه ایران به ۳۶ مدال طلا دست یافت، متوسط مدالهای طلائی ایران همواره بین ۹ تا ۴۴ عدد در وسان بوده است.

باینحال در زمانهای پیشین ورزشکاران ایران، ر. کشتی، وزنه برداری و تاحدودی فوتبال قدرت ول و بی رقیب آسیا بودند و در سطح جهانی نیز در دو شته اول در میان کشورهای طراز اول قرار داشتند.

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

روزنامه *لیبرا* سیون Liberation چهارشنبه ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۰ مقاله‌ای تحت عنوان **«پاریس کردهای عراق را به رسمیت شناخت»** به چاپ رسانده‌است که حاوی ارزش‌خبری مهمی در ارتباط با جنبش کردستان و تحولات اخیر در منطقه است. لیبراسیون با تیتُر **«امروز برای اولین بار در فرانسه یک هیئت نمایندگی ناسیونالیست‌های کرد پذیرفته شدند»** شروع می‌کند و در ادامه می‌گوید:

در این دیدار گفته شد که کویتیا اولین قربانیان صدام نیستند. فرانسه در ادامه سیاستش در مورد بحران خلیج و بخاطر اینکه فقط به عنوان یک نیروی تماشاگر نباشد امروز با پذیرفتن یک هیئت نمایندگی کرد متشکل از رهبران و نمایندگان چهار جریان ناسیونالیستی کرد عراق در سطح دولت یک چرخش بسیار مهمی در دیپلماسی خود بخاطر مساله خلیج ایجاد کرد. می‌توان گفت که چنین حرکتی در تاریخ فرانسه سابقه نداشته‌است. دولت فرانسه رسماً تا به حال سخنگویان و نمایندگان کردها را اهم از کردهای ایران، عراق و ترکیه، سه کشوری که ۲۵ میلیون کرد در آنجا زندگی می‌کنند و تنها چهار میلیون آن در عراق است نپذیرفته بود ولی این کار امروز صورت پذیرفت.

هیئت نمایندگی کردها متشکل بود از جلال طالبانی از اتحادیه میهنی کردستان عراق، دکتر محمد عثمان از طرف حزب سوسیالیست کرد، سامی عبدالرحمان از حزب دموکراتیک خلق کردستان و محسن وزلی نماینده مسعود بارزانی از حزب دموکرات کردستان عراق.

این هیئت امروز ۱۹ سپتامبر از طرف معاون وزیر خارجه فرانسه Edwige Avice و رئیس پارلمان فرانسه Laurent Fabius و نیز وزیر

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

ندای مبارزه پیگیر و حق طلبانه ملت کرد شاید تا بحال بگوش جهانیان و افکار عمومی بشریت آن گونه که باید و شاید نرسیده و یا واژگونه و تخطئه‌گرانه به خورد ملت‌ها داده شده باشد اما این اولین بار نیست که توجه دولت‌های بزرگم بر جهان را بخود جلب کرده‌است. ملت کرد بخشی از همان کور و کچلهای جهان محب ننگه داشته شده و محب مانده و تحت ستمی است که در راه آزادی و استقلال خویش متحمل بیرحمانه‌ترین سرکوبها و ستم‌گریها و فجایع اسف‌انگیز شده‌است، تا به امروز هر گاه در منطقه بحرانی بوجود آمده و منافع حاکمان جهان ایجاب کرده‌است ملت کرد بیباد این یا آن یکی از دولت‌های حاکم می‌افتد و به ظاهر مورد لطف و مرحمت قرار می‌گیرد. در این رهگذر هم بعضا جنبش کردستان کمک‌هایی دریافت کرده‌است ولی بر سر بزنگاه یعنی تثبیت حداقل حقوق قربانی اصلی، همان ملت ستم دیده و زندانی حاکمان منطقه بوده و نه خیر بل شری ناروا به این ملت فروخته شده‌است.

ملت کرد در راه آزادی و استقلال خود حق دارد به جهانیان و حاکمان جهان روی آورد. در شرایط و وضعیتی که این ملت قرارداد هیچکس، هیچ انسان آزاده‌ای نباید به خودش حق بدهد که خواسته و یا در خواست کمک این ملت ستمدیده را محکوم و یا تخطئه نماید. اما مساله اصلی در این و اوایل آن است که در این ارتباط چه سهمی و چه نتیجه‌ای هاید مردم کرد می‌شود، از این زاویه دوستان ملت کرد می‌توانند به نقد سیاست‌های جنبش کردستان و به کمک آن بشتابند و بشریت مترقی و نیروهای آزادیخواه را متوجه این مبارزه عادلانه نمایند.

لیبراسیون کرد و ملت کرد باید حتما از تاریخ و گذشته حرکات و سیاست‌های پیشین درس گرفته باشند، تجربه این آزمون‌های گران قیمت که به بهای قربانیان بی‌شمار و ویرانی‌های زیادی بدست آمده است را به کار گیرند و بتوانند بنحو صمیمی از بصران‌های بوجود آمده در منطقه به سود خود بهره جویند و از فرصت پیش آمده بهره ممکنه را دریافت نمایند.

این درست که جهان امروز با دیروز متفاوت است؛ تحولات جدیدی در دنیا رخ داده‌است، ندای آزادی و دموکراسی خواهی بلند شده‌است، موضع بشریت امروز صلح و آزادی است و روند همو می‌روند دموکراتیزاسیون است، اما نباید به هیچ‌وجه فراموش کرد که منافع انحصارات و دولت‌های حاکم بر جهان همچنان پابرجاست و بر همه چیز فعلا مقدم است.

لشکرکشی آمریکا به منطقه و اعتراض دولت‌های اروپایی برای مقابله با تجاوزگری حکومت فاشیستی بغداد نه از زاویه دموکراسی و ضد دیکتاتوری بلکه از زاویه به خطر افتادن منافع آنجاست، مساله مساله

اکثریت

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

حقوق بشر Bernard Kouchmer دولت فرانسه پذیرفته شدند و نیز صبح پنجشنبه ۲۰ سپتامبر در کاخ الیزه مشاور دیپلماتیک دولت فرانسه Loie Hemekine با آنها دیدار خواهد داشت. ترتیب قرار ملاقات این هیئت با نهادهای سیاسی اصلی فرانسه نیز گذاشته شده‌است.

در این ملاقات در حله اول این موضوع مطرح گردید که مساله کردها فراموش نشده‌است اما همواره در پوشش نگاه داشته شده و افکار عمومی در جریان سرکوب کردها و حقوق آنها قرار نگرفته‌است. حتی بعد از بمباران شیمیائی کردها در حلبچه در مارس ۱۹۸۸ که بیش از پنج‌هزار کرد قربانی شدند، دولت فرانسه سکوت کرد. پائیز سال ۱۹۸۹ پاریس مهماندار یک کنفرانس کرد و جمعیت فرانس‌ایبر ته کردها بود که انستیتوی کرد و جمعیت فرانس‌ایبر ته France – Libertes به سرپرستی خانم دانیل میتران به صورت نیمه آشکار و با حضور بعضی از دوستان کرد عراق و ترکیه و به دعوت برنارد گوشز برگزار کرده بود.

«از کردها زیاد صحبت نمی‌شود برای اینکه ما هرگز هواییمانی را نربوده‌ایم و هرگز کسی را به گروگان نگرفته‌ایم»

دکتر قاسملو شناخته شده‌ترین رهبر کرد و دبیر اول حزب دموکرات کردستان ایران همواره این را تاکید می‌کرد وی در سیزده ژوئیه ۱۹۸۹ در وین توسط مذاکره کنندگان ایرانی که با او بر سر یافتن یک راه حل سیاسی برای کردستان ایران مذاکره میکردند کشته شد. عبدالرحمان قاسملو زندگیش را برای کسب حداقل ممکن حقوق کردها وقف کرد. اما سایر جنبش‌های آزادیبخش ملی نظیر سازمان آزادیبخش ملی فلسطین و یا یاسر هرفات فراموش شده نبودند.

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

نفت است، مساله مساله کنترل منطقه است. پذیرش رهبران کرد عراق آن هم فقط کرد عراق و بحث و مذاکره در مورد پذیرش حقوق کردو… نیز از همین زاویه است نه پذیرش حقانیت مبارزه ملت کرد. اخبار و حرکت‌های نمایندگان جریان‌های سیاسی کرد عراق، ملاقات‌های نمایندگان دولت آمریکا و دول اروپائی و برخی از سران کشورها با آنها، طرح و نقشه‌های آمریکا و اروپا در منطقه و در ارتباط با عراق و کویت و مساله کردها و موضع کشور‌های عربی باید بدنت مورد توجه قرار گیرد.

در ماه‌های اخیر محافل کردی شاهد اخبار، شایعات و بحث‌های متناقضی بوده‌اند، از آن جمله است مساله ملاقات نمایندگان دولت آمریکا در سوریه با برخی نمایندگان برخی از احزاب کردی عراق؛ ملاقات نمایندگان دولت فرانسه در سطح وزرا با نمایندگان احزاب کردی عراق؛ مساله سازش ایران و عراق و انتقال دفتر آیت الله حکیم از تهران به سوریه و مساله کردهای عراقی پناهنده ایران و کردهای ایرانی پناهنده عراق؛ سفرهای جلال طالبانی به آمریکا؛ شایعات و اخباری در خصوص قول کمک آمریکا به کردهای عراق در حدی که مثلاً اگر کردها از «موصل» بخاطر منافع نفتش بگذرند و آن را به ترکیه بدهند آمریکا از ایجاد یک دولت کردی در سایر مناطق کردنشین عراق پشتیبانی می‌کند و آن را به رسمیت خواهد شناخت؛ پذیرش حقوق ملت کرد در داشتن یک دولت مستقل کردی بخصوص در شرایط فعلی در عراق از طرف فرانسه و حتی قول کمک به ایجاد یک دولت کردی در عراق و به رسمیت شناختن آن و… آنچه که روشن است این‌که پس از وقوع انقلاب در ایران و پس از جنگ ایران و عراق و رابطه آن با کردستان و نیز بمباران شیمیائی کردستان توسط عراق مساله کردها و کردستان به مساله‌ای جدی و به عاملی مهم در محاسبات سیاسی منطقه مبدل گردیده‌است. بحران اخیر منطقه با حمله عراق به کویت این مساله را در درجه بالاتری از محاسبات کشور‌های منطقه و در سطح دول غربی و آمریکا به منظور بهره جویی از آن قرار داده‌است. همانطوریکه اشاره رفت این اولین بار نیست که مساله کردها مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهان قرار می‌گیرد. اما آنچه متفاوت است و تغییر کرده‌است شرایط کنونی جهانی و نیز حرکت و سیاست‌های آمریکا و اروپا در قبال رژیم بغداد است.

آمریکا با گرفتن ابتکار عمل در مقابله با صدام و با مقاصد منفرسه جویانه خود یعنی کنترل منطقه و در اختیار گرفتن آن برای تضمین منافع کنونی خویش در حال و در آینده و اروپا نیز برای تضمین دریافت نفت و احیاناً پیش بردن سیاست تشنج‌زدائی در منطقه هر کدام طرح‌ها و سیاست‌های خاصی را دنبال می‌کنند. شوروی با توجه به بحران کنونی خویش با

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

بحران خلیج باعث شد که تا بوی کرد شکسته شود، با اطمینان می‌توان گفت که ملاقات رسمی نمایندگان کردهیچ مشکلی را رسماً برای دولت فرانسه ایجاد نکرده‌است. می‌توان تاکید کرد همچنان که «روان دوها» نیز اعلام کرده‌است، رشد سیاسی ما فرانسوی‌ها در مورد مسایل خاور نزدیک و خاورمیانه و همچنین حرکت‌های سیاسی دولت فرانسه در بحران اخیر در کادر حقوق بین‌المللی می‌گنجد که ما این حقوق را از حقوق بشر جدا نمیدانیم. افکار عمومی ما امروز متوجه وضعیت ویژه و تراژیک کردهای عراق نیز هست و آن را در همین چارچوب ارزیابی می‌کند.

گفتن این نکته با این سخن که کویت و کویتی‌ها تنها قربانیان سیاست بغداد نیستند بلکه کردها بدفعات مکرر قربانی این سیاست‌ها شده‌اند، در همین چارچوب است. همچنین در سال‌های اخیر در ایران، ترکیه و عراق کردها بهای سنگین را پرداخت کرده‌اند.

از نظر ژئو پولتیک و وضعیتی که توسط قدرت‌های استعماری سابق در سال‌های ۱۹۲۰ بر ویرانه‌های امپراطوری عثمانی بوجود آمده بود، کردها بدفعات زیادی در طول سال‌ها و همچنین در سال‌های اخیر در هر سه کشور قربانی شده‌اند. خواست کردها در آن دوران شناخته شده بود و توسط رئیس جمهوری وقت آمریکا (ویلسن) در طرح پیشنهادیش برای «جامعه ملل» بیان شده بود؛ یعنی دولت مستقل کردی. در سال ۱۹۲۵ یک کمیسیون توسط «جامعه ملل» S.D.N. از منطقه‌ای از کردها بازدید کرده و اعلام کرد بود که هفت هشتم جمعیت منطقه خواستار دولت مستقل کردی هستند. بریتانیای کبیر مخالف بود و اظهار می‌داشت که «عراق بدون نفت و

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

بی‌سیاستی و دنباله‌روی، نقش جدی در منطقه ندارد. آنچه مسلم است مخالفت قدرتهای بزرگ غربی و آمریکا با رژیم صدام در حرکت اخیر صدام جدی‌است و در همین رابطه طرح‌هایی از قبیل سرنگونی صدام از درون، تجزیه عراق و تبدیل آن به سه بخش شیعه، سنی و کرد، عقب نشاندن صدام از کویت از طریق محاصره اقتصادی تا جنگ مستقیم از طریق هوا و زمین علیه عراق (در همین رابطه بسیج نیروهای ترکیه و حمله به عراق از چند جهت از جمله از مناطق شمالی عراق یعنی کردستان) و استفاده از نیروهای کردو… در دست طراحان سیاسی آمریکا و اروپائی است.

این‌ها همه یک طرف قضیه است اما طرف دوم قضیه رژیم بغداد و توان اوست. فعلاً با مداخله قلدرمآبانه آمریکا و لشکرکشی به منطقه موج ضدآمریکایی در میان ملت عرب تقویت گردیده‌است، قدرت مانور و سازش و عقب نشینی صدام در شرایط مناسب (مثلاً سازش او با ایران) نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

ملت کرد با توجه به تجارب هدیده خود باید متوجه این مبادلات باشد و هوشیارانه تحولات را دنبال کند و به عاملی آنهم فقط عاملی در جهت پیش‌برد این یا آن سیاست کشوری گرفتار نشود. این موضع برخلاف سیاست انفعال در قبال موقعیت پیش آمده‌است. در این هیاهو باید اده‌های تاریخی ترکیه را نیز مدنظر داشت که پس از تجزیه عثمانی مدعی مالکیت بر بخشی از کردستان عراق است. ممکن است این طرح هم در ذهن طراحان آمریکائی باشد و الحاق کردستان عراق را به ترکیه مطرح نمایند. واقعیت این است که ملت کرد در بدترین شرایط جغرافیائی و تاریخی بخود قرار گرفته‌است و تحت سیطره هارترین حاکمیت‌های منطقه قرار دارد. کردستان عراق ویران شده‌است و بخشی از کردهای عراق آواره و در جنگ دولتهای ارتجاعی ترکیه و ایران هستند.

کردهای ایران و ترکیه مورد شدیدترین سرکوبها هستند، موقعیت نیروهای کرد و توان رزمی و تشکل آنها در کمترین حد ممکن است، نیروهای دموکراتیک و آزادیخواه در هر سه کشور ایران، ترکیه و عراق بخصوص در کشور ایران و عراق مورد سرکوب و در ضعف و پراکندگی مغرط هستند، اتحاد نیروهای سیاسی کرد عراق در حد نازل‌ی است و پراکندگی وجه عمده‌است. در چنین شرایطی بعید نیست که سران برخی از جریان‌های کردی عراق تن به پذیرش برخی از طرح‌های کشور‌های بزرگ برای نجات خویش بدهند و این قابل فهم است. اما هشدار های دوستان ملت کرد نه از زاویه محکومیت و سرزنش کردها و رهبران آنهاست بلکه از زاویه عدم اطمینان به بهره جویی صحیح از وضعیت پیش آمده بسود مردم کرد است. مثلاً اگر یکی از طرح‌ها این باشد که بکمک ترکیه و نیروی آمریکا جنبش کردستان عراق حمله زمینی برای فشار به عراق را شروع کند و این جنگ و سخت بگیرد ولی در وسط

شماره ۳۲۲–۲۳ مهر ماه ۱۳۶۹

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

ثروت کشاورزی کردستان از نظر اقتصاد نمی‌تواند قابل زیست باشد. اما این تفکر ادامه پید نکرد که گذرگاهی بوجود آید تا عراق راهی بدریاباب و این گذرگاه از کویت می‌گذشت و تحت حفاظت انگلستان قرار داشت. عراق سال‌هاست که خواستار کویت است و این خیلی قبل‌تر از اوت ۱۹۹۰ بوده و ربطی به کردستان و یا از بین بردن استعمار نداشت است و ندارد.

سال ۱۹۳۲ سال پایان تعهد بریتانیا مبنی بر قیمومیت عراق و نتیجه آن استقلال عراق بود امروز روز کردهای عراق است و بیان مجدد مبارز آنها برای شناساندن حقوق ملیشان در ادامه جنگ‌هایی که بندرت متار که‌ای در آن وجود داشته‌است. تاریخ بیست سال گذشته حکومت رژیم بعثی در بغداد (بدنبال چهار سال حالت نه جنگ و نه صلح که بوسیله بیابیه امضاء شده توسط ژنرال بارزانی رهبر جنبش کردستان عراق و معاون ریاست جمهوری وقت عراق یعنی صدام منعقدشده بود) دورانی ر مشخص می‌کند که بمباران شیمیائی حلبچه و تهاج مسئولین عراقی و ایرانی و ویرانی سیستماتیک روستاها و شهرهای کرد و حتی فرهنگ کرد عراق توسط لشکریان صدام حسین مشخصه آن است دورانی که می‌توان آن را دوران یک نسل‌کشی شدت معرفی کرد. این‌ها مواردی بودند که رهبران کرد عراقی به مخاطبین خود بیان کردند تا به حال سالیان زیادی است که به خواسته‌های کردها پاسخی داد نشده‌است اما این بار کمتر ممکن است که مسال کردها به فراموشی سپرده شود.

Liberation چهارشنبه ۱۹ سپتامبر ۹۹۰ ترجمه‌ان: ثالا

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

مجسمهٔ لیبراسیون در پارک ملی لیبراسیون، فرانسه

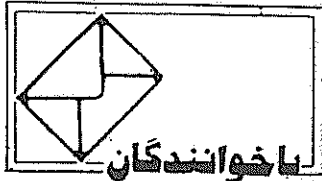
راه رژیم بعث با توجه به فشارهای جهانی حاضر به پذیرش مثلاً طرح شاه حسن، حسین و شاه عربستان شود و با آمریکا و کشور‌های اروپائی به توافق برس واز طرف دیگر بمب شیمیائی دیگری را نصیب کردستان بکند آنگاه چه روی خواهد داد آیا بار کشور‌های آمریکا و اروپائی دولت کردی در عراق را تشکیل خواهند داد؟ در یک کلام ملت کرد نباید به عامل اجرائی طرح‌های آمریکا و دیگر قدرتهای بزرگ تبدیل شود. سیاست درست و اصولی همیاری و هماهنگ کردن تلاش نیروهای کرد با تلاش آزادیخواهانه مردم سایر خلق‌های ایران و عراق و ترکیه و نیروهای دموکرات و آزادیخواه سه کشور مذکور و جهانی و از استفاده وسیع از مجامع بین‌المللی (که شرایط موجود فرصت مناسبی را در این زمینه فراهم کرده‌است)، در میان خواسته‌های خود و تحمیل اجرای بیابیه حقوق بشر و تلاش در جهت سرنگونی رژیم‌های ارتجاعی و جایگزینی رژیم‌های دموکراتیک‌ی است که حقوق ملت کرد را در چهارچوب دولت کردی و اتحاد داو طلبانه این ملت و هر یک از آنها را پذیرا باشد است.

وضعیت موجود فعالیت سیاسی و تبلیغاتی را از ملت کرد می‌طلبد. وضعیت موجود را رژیم فاشیستی بعث عراق فراهم نموده‌است. وضعیت پیش آمده و اعتراض متحد کشور‌های اروپا و آمریکا اگر کمک به سرنگونی رژیم بعث عراق بکند در هر حال به سود مردم کرد است. چه ما این وضعیت را اصولی بدانیم یا ندانیم، ملت کرد و رهبران سیاسی آن باید از این وضعیت پیش آمده سر و سامانی به خود بدهند. در وهله اول اتحاد هر چه وسیع‌تر نیروهای کرد در مبارزه و بیان صریح خواسته‌های تاریخی این ملت است. تشکیل شورای کردستانی بر پایه دموکراسی مبارزه برای داشتن نماینده یا ناظر در سازمان ملل، دفاع از حقوق ملت کرد در سطح جهانی و هماهنگی فعالیت کردها، و در گام‌های بعدی با توجه به تحولات آتی و روندها اعلام دولت در تبعید و یا ایجاد آن در هر گوشه‌ای از خاک کردستان بخصوص در شرایط کنونی کردستان عراق، موقعیت بزرگی برای ملت کرد است.

ملت کرد و رهبران سیاسی جریان‌های کردی باید از موقعیت پیش آمده بیشترین بهره ممکنه را با اتخاذ سیاستی درست ببرند و این مستلزم فعالیت وسیع و هماهنگ سیاسی در سطح جهان است.

نیروهای دموکرات، آزادیخواه و عدالت جوی جهان و منطقه نباید از محکومیت رژیم فاشیستی بعث و سازش و توافق جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و محکومیت آمریکا در لشکرکشی به منطقه و اشغال نظامی آن چشم پوشی کنند و نباید از مبارزه عادلانه و دموکراتیک ملت کرد و کمک به این جنبش در هر سطحی کوتاهی نمایند. ملت کرد حق دارد دولت خود را تشکیل دهد و هرآنگونه که خود می‌خواهد زندگی کند.

«سوران»



پاسخ به نامه ها:

دوست عزیز آوا، انتشار ترجمه کتاب "ohne meine Tochter - Nisht" به صورت پاورقی در نشریه کثرت، متأسفانه برای مأمودور نیست، اما با توجه به اینکه داستان این کتاب به جامعه و مردم ماباز می‌گردد و اروپا خوانندگان زیادی نیز داشته است، کوشش می‌کنیم در اولین فرصت نقدی در مورد آن در نشریه درج کنیم.

پیشنهاد شما در مورد ادامه مستمر صفحه هنری و درج اخبار مربوط به فعالیت‌های هنری و اجتماعی مورد پذیرش ما هم هست و اقداماتی نیز در این جهت در شماره‌های اخیر نشریه صورت گرفته است. شما ادامه این صفحه و فنی شدن آن همکاری فعالانه خوانندگان هنردوست - زمینه‌های مختلف با ما است.

دوست گرامی سعید از اتریش، مطلب شما در مورد گفتگوی دویار قدیمی به دست ما رسید. موضوع این مطلب موضوعی واقعی، زیبا و قابل استفاده است، اما بنظر می‌رسد در پرداخت آن به صورت داستانی دقت

کافی به کار گرفته نشده و با عجله تهیه شده است و در نتیجه از پختگی کافی برخوردار نیست. ضمن تشکر از زحمات شما، منتظر دریافت گزارش‌های که وعده داده‌اید هستیم.

دوست عزیز بهنام از سوئد: نامه تشویق‌آمیز شما به دست ما رسید. هدف ما از برقراری ستون پاسخ به نامه‌ها، همانگونه که قبلاً نیز توضیح داده بودیم، پاسخی کوتاه و در حد ممکن به نامه‌های رسیده است و هدف هرگز سانسور نامه‌ها نخواهد بود. در خصوص تذکرات شما در مورد نقد کتاب و استفاده از شعر نیز تا آنجا که برایمان امکان‌پذیر باشد، تلاش خواهیم کرد.

دوست عزیز کاوه از مونشن‌گلادباخ آلمان: نامه شما مبنی بر خبر اخراج احتمالی یک متقاضی پناهنده ایرانی در مونشن‌گلادباخ به دست ما رسید. دیر رسیدن نشریه اکثریت مربوط به نابسامانی در امور فنی و اجرایی آن است که تلاش زیادی برای رفع آن صورت می‌گیرد.

دوست عزیز "مرتضی میثقی" از انگلستان: ترجمه مقاله "بازگشت هم‌انگیز مردان جنگ ایران" را دریافت کردیم. موضوعات این مقاله، مسایلی است که طی چند شماره اخیر نشریه به مقدار زیادی پیرامون آنها نوشته شده و بنابر این تا حدودی تکراری است. به همین جهت از چاپ آن پوزش می‌طلبیم.

داور، وزیر معروف آغاز سلطنت رضاشاه و تیمور تاش، هلی‌دشتی، جهانگیر تغزلی

ایران ما، و دکتر آرسنجان از این شماره و شما خود، کسان دیگری را می‌توانید به نامها اضافه کنید.

مطبوعات می‌دانند: "ملک‌خان" و "میرزا آقاخان کرمانی"، "دهخدا"، سلطان‌العلمای خراسانی، مجدالاسلام کرمانی، فرخی یزدی، شیخ یحیی کاشانی، ملک الشعرای بهار، میرزاده هشتی، هلی‌دشتی، عباس خلیلی، زین‌العابدین رهنما، عبدالرحمن فرامرزی، محمدمسعود نام‌های بسیار دیگر، و تنها در دوران تکامل وسائل ارتباطی در ایرانست که به تدریج، دستگاه و تشکیلات جای آدم‌ها را می‌گیرد، در حالی که دستگاه و تشکیلات را مثل گذشته، آدم‌ها هستند که تغذیه می‌کنند.

خط حرکت کلی و اساسی مطبوعات ایران را، در طول تاریخ، دفاع از آزادی و حق حاکمیت مردم می‌سازد. و استثنای در آن جای معتبری از نظر اندیشه و هرزه، نمی‌گیرد. جلوه و درخشش این خط به حدی است، که با آنکه بیشتر دوران تاریخ مطبوعات ایران را سانسور، و ارشاد و اختناق پوشانده است، باز احاطه این دفاع را بر کل تاریخ، می‌توان احساس کرد.

از انواع تقسیم‌بندی‌ها، که می‌توان برای رده‌بندی کارگزاران مطبوعات، بکار برد، من این رده‌بندی را از آدم‌ها، که تاریخ مطبوعات، از تراکم حاصل کار و اندیشه آنها در شرایط متفاوت و متغیر اجتماعی شکل گرفته است، و همه‌شان در یک خط قرار نمی‌گیرند، با شما در میان می‌گذارم: به یقین، این رده‌بندی کامل نیست ولی نوعی شناسایی از تمایز فکر و عمل آنها بدست می‌دهد:

سیاسی‌های اهل "مطبوعات" مطبوعاتی‌های اهل سیاست" حرفه‌یی‌های مطبوعات و آرمانخواهان مطبوعات: در عین آنکه، نمی‌توان مطبوعات و سیاست را، از هم جدا کرد. اما در میان اهل مطبوعات

چهره‌هایی هستند که سیاسی‌های مطبوعاتی را تشکیل می‌دهند: اینان کسانی هستند که سیاست هدفشان بوده است و یا شده و مطبوعات وسیله رسیدن به این هدف، ملک الشعرای بهار، هلی‌اکبر

شماره‌های ۶ و ۸ نشریه "پناهنده" ارگان شورای پناهندگان شهر برمن همراه با اطلاعاتی از این شورا به دست ما رسید. در نشریه پناهنده اخباری در مورد وضعیت پناهندگان، اخبار کشور و اخبار خارجی درج شده است.

مقالات "متحول شدن موسیقی سنتی ایران نیاز زمانه است"، "کنگره فردوسی و ملت‌ها" نامه‌ای از دامون، "گزارشی از سمرقند، بخارا و جمهوری تاجیکستان شوروی" و اشعار "با" به دست ما رسیده است. به دلیل محدودیت جا این مقالات به تدریج در نشریه درج خواهند شد.

بخش‌هایی از نامه‌یک خواننده:

"...وضع کنکور هر سال بدتر از سال پیش می‌شود. چون تعداد زیادی از فرزندان شهدا، جانبازان و جدیداً از ادگان که موضوع روز جامعه ایرانی است، جای‌شان در دانشگاه محفوظ است و ضرر اسرایی که

نشریه محترم اکثریت!

در شماره ۳۱۸ این نشریه در صفحه "با خوانندگان مقاله‌ای از آقای قلی حسین زاده با عنوان "دموکراسی شما از چه نوع

وقایع، سانسور و اختناق، بی‌تفاوت به‌اند.

آرمانخواهان مطبوعاتی: در تاریخ مطبوعات کسانی هستند که استثنای را تشکیل می‌دهند و اهم از آنکه از میان حرفه‌یی‌ها برخاسته باشند، یا از میان سیاسی‌های مطبوعاتی، یا مطبوعاتی‌های سیاسی، و جدا از اینکه مدتی کوتاه به مطبوعات پرداخته باشند یا تمام هم‌ریشه‌ها آرمانخواهی در مطبوعات تعلق دارند.

صو اسرافیل، دهخدا، سلطان‌العلمای خراسانی، فرخی یزدی، احمدکسروی، دکتر حسین فاطمی، از شمار آرمانخواهانند. و دوره جدید روزنامه‌نویسی در ایران، مجال وسیعتری به پرورش روح آرمانخواهی، در فضای وسائل

ارتباط اجتماعی داده است. و همانطور که هلی‌رقم قساوت رژیم اسلامی در سرکوب مطالبات انسانی و حقوق طبیعی، در ایران از هر فرصت و روزه کوچک برای اعلام حضور سیاسی و مطالبه حق حاکمیت خویش استفاده می‌کنند، در فضای بسته مطبوعات از رادیو، تلویزیون، تا روزنامه‌ها آثار حضور موج آگاه و روح آرمانخواهی می‌توان پیدا کرد.

منوچهر" محبوبی، از شمار روزنامه‌نویسان ایرانی است که به این ردیف تعلق داشت و با آنکه در ایران، روزنامه‌نویسی تنها حرفه او نبود، اما به آزادی و آگاهی و به حضور سیاسی مردم هشت می‌ورزید و می‌کوشید تا حد ممکن ستمی را که بر مردم می‌رفت، افشا کند. درین مهرورزی و افشگری، بی‌تاب بود. دوران شکوفایی روزنامه‌نویسی محبوبی، دوران هشت ساله تبعید و سرگردانی خارج از کشور بود که سعی داشت پیوند گسیخته شده‌اش را با مردم کشور، به صورت که میسر باشد برقرار کند. او می‌خواست

و می‌کوشید برای مردم روزنامه بنویسد و فضائی که در خارج از کشور بود، برای درک این خواست و کوشش‌آمادگی نداشت. پناهندگان سیاسی هم

کوچکترین تفاهم و آشنایی با آزادی و با روزنامه‌نویسی نداشتند. جوانانی بودند که بنابر آموزش سیاسی خویش روزنامه را رشته پیوند تشکیلات و استقرار سازمانی می‌شناختند. و با موج عواطف، به مقابله با حکومت مطلقه جمهوری اسلامی برخاسته بودند. و چپ

آزادی بیان مهمترین مشخصه دموکراسی است

است "درج گردیده بود. از آنجا که روی سخن مقاله ایشان با نویسنده مقاله "دموکراسی این آقایان" یعنی اینجا نبود. در چند مورد شخصاً پرسش‌هایی مطرح

ایران در تبی از قدرت طلبی می‌سوخت که روحانیت، آنرا بدست آورده بود. و محجوبی که به این چپ با شور و تحسین می‌نگریست، می‌خواست حاصل تلاش دشوار روزنامه‌نویسی‌اش را در خارج از کشور با آنها تقسیم کند. اما تجربه به او نشان داد که حتی حضور چندین ساله در خارج از کشور، زنگار اعتیاد به خلق و خوی استبدادی را از ذهن پیشگامان و جانبازان "آزادی" نروده‌است. و از او همان - رامطالعه می‌کنند که اگر در ایران بود، سانسور حکومتی می‌خواست. با آنکه آنچه می‌خواهم بگویم، خود زمینه بحثی مستقل است. اما به اختصار آنرا مطرح می‌کنم:

برای درک و شناخت زمان، و درک و شناخت مطبوعات، حتی امروز آن قسمت از طیف چپ پناهندگان سیاسی ایران که به گروه دموکرات معروف است، خام‌تر از ده سال پیش طیف راست که در خارج تحکیم موضع می‌کرد، رو به رو می‌شود. بزرگترین زُست دموکراسی و دفاع از آزادی، که در قسمتی از این طیف ظاهر شده است، ابراز تعلق به نشر روزنامه آزاد و همومی می‌گذارد.

این روزنامه، ارگان موتلفی از آن قسمت باشد. و نام این حرکت را، حرکت برای افزایش قدرت سازمانی و تشکیلاتی خویش را از راه تدارک ائتلاف که کار بسیار خوبی هم هست - دفاع از آزادی و تدارک روزنامه مستقل و آزاد همومی می‌گذارد.

برای آنکه بدانید چه فاصله

وسعی بین این دید و برداشت نو شده از آزادی و استقلال مطبوعات در طیف چپ، با برداشت پراگماتیست و خالی از تفکر و مجادله طیف مخالف آزادی و اعمال کنندگان سانسور و اختناق به کشور پیش از ۲۲ بهمن ۵۷ وجود دارد، این نکته را نقل می‌کنم:

من، در سال ۸۲ به فرانسه آمدم، و بنابر خلعت حرفه‌یی دنبال انتشار طلیعه یک روزنامه رفتم. در مرداد ماه (ماه اوت) که طلیعه انتشار یافت، از دوستی آگاه و صاحب نظر که به فرانسه آمده بود شنیدم، چند سال است از

جانب سرمایه‌داری معروف،

سرمایه لازم برای انتشار روزنامه

در اختیار صاحب موسسه کیهان

قرار گرفته است. ۳ سال بعد،

کیهان لندن منتشر شد، اما هیچ‌جا

کسی ندید روزنامه، جز در فضای

کلی طیفی که به آن تعلق داشت،

قدم بر دارد. روزنامه راست است

بر گشته‌اند از لحاظ جسمی و روحی خیلی خراب است. آنها را به شدت شکنجه داده‌اند. در دادن غذا و آب هم در موارد زیادی به اسرا خودداری می‌شد. گاهی حتی پوست بدنشان را با سیگار سوزاندند. حالا هم که دولت ایران و عراق دوست جان جانی و برادر شده‌اند تا سیاست فردا چه اقتضا کند...

در نامه‌ای دیگر:

"...خیلی از اسرا که خبری از آنها نبود، مفقودالثر بودند و قبرهایی هم برایشان درست کرده بودند، حالا که برگشتند بر سر قبرهایشان می‌روند و آنها را باز می‌کنند، صدام یزید هم تبدیل به صدام عزیز شده است. سیل خواربار ایران به عراق جاری است. در یک ماهه اخیر اجناس گرانتر شده است. خریدن لباس و کفش دیگر کار هر کسی نیست. دلار به ۱۴۵ تومان رسیده است...."

کرده بودند و نکاتی از مقاله برایشان مبهم مانده بود، تقاضا می‌کنم پاسخ مرا نیز در همان بخش از نشریه درج کنید.

با احترام

مهرداد کیمیایی

پیش از هر چیز از توجه آقای قلی حسین زاده به مقاله "آزادی و دموکراسی" و در مقام

بقیه در صفحه ۲

و به طیف راست تعلق دارد. اما زیر عنوان روزنامه، اسم و نام هیچ دسته و گروه معین که در آن طیف بسیار ندیده نمی‌شود.

این نشان از ادیخواهی نیست، اما نشان سطح معینی از درک اجتماعی هست. و در مقام ارزیابی وقتی بهتر قابل فهم است که آنرا، در کنار ماجرابی که بر آهنگر گذشت، بگذاریم و یاد رکناز این نهیب هشجاری و دفاع از آزادی و دموکراسی، که در طیف ما برخاسته است، و در دفاع از آزادی و دموکراسی، شوق تیمومت "روزنامه همومی مدافع آزادی و دموکراسی"

روزنامه، در دفاع از آزادی، اول باید خود خالی از سلطه

سازمانی و گروهی باشد، تا بتواند نقشی را که دارد ایفا کند. هیچ ارگان سازمانی نمی‌تواند حتی در بازنترین شکل تولید و هرزه، جای یک روزنامه‌آزاد درون طیف، اما مستقل از سازمانها را بگیرد. تجربه روزنامه‌نویسانه ناشران ارگانها، اگر برای داوری منصفانه آنها کافی نیست، می‌توانند مقایسه‌یی بین روزنامه‌یی مثل "پراودا" با "لوموند" یا "نیویورک تایمز" بکنند، تا اختلاف برایشان روشن شود.

"محجوبی" روزنامه‌نویس آرمانخواهی بود که کوشید بین نشر آزاد و مستقل روزنامه، با نقش دفاع از آزادی و آگاهی، و همبستگی با سازمانهای سیاسی طیف چپ تلفیتی بوجود آورد. و در این کار شکست خورد. در حالی که روزنامه‌نویسی موفق بود و از او بنام روزنامه‌نویسی موفق نیز یاد خواهد شد.

کاش او، امروز بود. در میان ما بود و حاصل تجربه‌اش را با ما باز می‌گفت که:

"مطبوعات، از جامعه جدایی ناپذیر است. و روح حاکم بر مطبوعات، روح حاکم بر میزان آگاهی اجتماعی مردمانست.

با این وصف، مطبوعات که مولد رشد اجتماعی است هموارکننده زمینه حضور سیاسی مردم در جامعه است.

و نقش "مطبوعات در دفاع از آزادی، نقش توپخانه، و نقش سلاح مقدم است. بی‌مطبوعات آزاد، نمی‌توان به آزادی در جامعه رسید و از حزب، سازمان، سندیکا و حقوق انسانی و یک کلام از دموکراسی دفاع کرد."

اما، دریغ که: او سالی است دیگر در میان ما نیست. و ما امشب، خاطره او را در اینجا گرامی می‌داریم.



ارم پیشنهادی جدید حزب کمونیست ایتالیا: درخت بزرگ، داس و چکش کوچک تر در زیر آن

تغییر نام حزب یکی از موارد دستور جلسه کنگره آتی حزب کمونیست ایتالیا در ژانویه سال ۱۹۹۱ است.

پیشنهاد تغییر نام حزب کمونیست ایتالیا

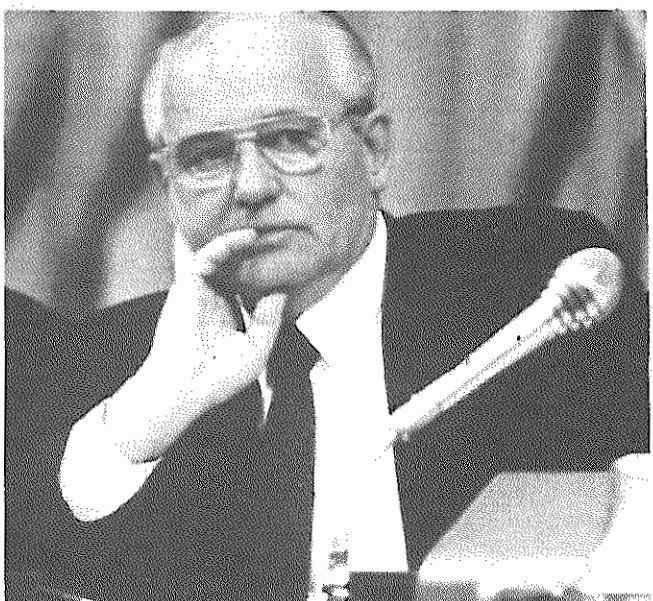
رهبر انترناسیونال سوسیالیستی، ویلی برانت در کنفرانس اخیر انترناسیونال سوسیالیستی منعطف تر از همیشه در مورد پذیرش حزب کمونیست ایتالیا برخورد کرد. بنیتو کراسی رهبر حزب سوسیالیست ایتالیا همچنان مخالف اصلی ورود حزب کمونیست ایتالیا به انترناسیونال سوسیالیستی است.

پیشنهاد اخیر اکتو با مقاومت بخش بزرگی از حزب روبروست. آرماندو کوسوتا یکی از رهبران حزب اعلام کرد که در صورت تغییر نام، حزب دچار انشعاب خواهد شد.

آچیلو اکتو دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا چهارشنبه هفته گذشته طی یک مصاحبه مطبوعاتی پیشنهاد تغییر نام این حزب را به حزب دمکراتیک چپ (PDS) اطلاع داد. اکتو در نوامبر ۱۹۸۹ در جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا خواهان حذف صفت کمونیستی از نام حزب شده بود.

هدف از تغییر نام حزب کمونیست ایتالیا توسط اکتو بیش از هر مسأله‌ای متوجه درخواست اصلی اکثریت حزب در رابطه با وارد شدن به انترناسیونال سوسیالیستی طرح شده است.

برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی



برای خروج از بحران سیاسی فعلی جامعه شوروی خواند. ایواشکو در گزارش خود به پلنوم از خروج بیش از ۶۰۰ هزار عضو حزب پس از کنگره ژوئن حزب نیز خبر داد.

برگزاری کنفرانس انترناسیونال سوسیالیستی در آمریکا

درخواست کرد که برای کاهش دادن فاصله کشورهای فنی و فقیر تلاشهای بین المللی نوینی آغاز شود و استراتژی جدیدی برای حفظ محیط زیست، مبارزه با مواد مخدر و بیماری ایدز طراحی شود. کنفرانس خواهان تقویت سازمان ملل متحد و انجام تغییرات اصلاحی در ساختار این سازمان شد.

این منطقه؟ من فکر می‌کنم که این فرضیه دوم ارجحیت دارد. اولاً بدین دلیل که از سوی آمریکا هیچ گونه هلاکتی، پیش از بحران دیده نمی‌شود و این همان نکته در داوری است که می‌توان با در نظر داشت آن برای روزهای آینده پیش بینی‌های واقعی‌تری را ارائه نمود.

آمریکاییان برای سالهای ۹۰ دنبال یک دشمن می‌گشتند. پس از بقیه در صفحه ۲

AKSARIYAT NO. 322 MONDAY 15.OCT.1990	اکثريت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور
آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN W.GERMANY	حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln W.GERMANY

آیا تمامی اینها برای ثبات در خاور میانه و بمنظور ایجاد امنیت در این منطقه است و یا برای تنظیم نقشه‌های سیاسی جدید در

خواست که با هوشیاری بیشتری با این نیروها برخورد کنند. ایوان ایواشکو، معاون گاربایف در سخنرانی خود، اختیارات ویژه‌ای را که پارلمان اتحاد شوروی در آخرین اجلاس خود به میخائیل گاربایف تفویض کرد تنها راه

گاربایف تلاشهایی را که در جامعه شوروی با سوءاستفاده از هلنیت و با هدف بی‌ثبات کردن جامعه شوروی دنبال می‌شوند محکوم کرد و از اعضای حزب

انترناسیونال سوسیالیستی برای نخستین بار در تاریخ خود در ایالات متحده آمریکا تشکیل جلسه داد. احزاب سوسیالیست لیوانی و استونی در کنفرانس نیویورک به عضویت انترناسیونال سوسیالیستی پذیرفته شدند. ویلی برانت رهبر انترناسیونال سوسیالیستی در مورد پذیرش این دو حزب تأکید کرد این اقدام

آمریکا - قرب در رابطه با جهان عرب مطرح شده باشد. استراتژی ای که کاراکتر آن تحمیل اشتباه، پیش داوری، دفاع از منافع خودی، نفث، فروش هر چه بیشتر سلاح در مرکز آن قرار می‌گیرد. تا حدی که نقشه‌های استراتژیکی قرب بانام های رهبران عرب و با نقاط حساس پمپاژ نفت بدرون نفتکش ها و نه با خلق هایی که پروسه رشد خاص خودشان را دارند و با آتیه امید و آرزوهایی که به صلح و امنیت وابسته اند، زندگی می‌کنند، مشخص می‌شود.

مردم پاکستان در انتخابات سال ۱۹۸۸، پس از ۱۱ سال دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق، آغاز شده بود، میباشد.

قضای متشنج کنونی حاکم بر کشور، جهت مجامعت از تداوم همین روند ایجاد شده است. زیرا تنها با انتخاب مجدد حزب مردم پاکستان چنین امکانی متحقق می‌گردد. اتحاد جمهوری اسلامی که در ماه اوت با پیوند اتحادیه دمکراتیک اسلامی به رهبری محمدخان و بلوک احزاب متحد اپوزیسیون به رهبری فلام مصطفی ایجاد شده، علیه چنین امکانی جبهه بسته است. اتحادیه مزبور که نفوذ زیادی در محافل قضائی پاکستان دارد اکنون بی‌نظیر بوتو و برخی دیگر از رهبران حزب مردم پاکستان را به پشت میز محاکمه کشانده است. هدف آنستکه افکار همومی نسبت به این حزب بدبین شود.

تحت چنین شرایطی و امکان صورت دادن تقلب در جریان انتخابات، اقلب ناظران کمتر تردیدی در مورد موفقیت اتحادیه جمهوری اسلامی در انتخابات به خود راه میدهند.

به علاوه در این نیز تردیدی نخواهد بود که قدرتمندان اصلی کماکان رهبری ارتش و سازمان ای.سی.ای. (ساواک پاکستان) خواهند بود. سازمان اخیر که در میان مردم پاکستان به "حکومت نامرئی" شهره است، تلاش می‌ورزد هر کس را که دست از پا مساله قبل از همه پیرامون تصمیم تداوم یا توقف روند دمکراتیزه کردن جامعه، که با پیروزی حزب

فلسطینی، رئیس آژانس خبری کوبیت کونا

من به عنوان عرب به شما می‌گویم که:

اتحادیه جدید، بزرگ، کاری بی فایده کرده ایم. در حال حاضر، تنها یک راه حل بمنظور برون رفت از بحران و اوضاع موجود در مقابل ما قرار می‌گیرد: خروج سریع نیروهای هراتی از کوبیت و برگشت به وضعیت عادی. پذیرش آنچه که در کوبیت اتفاق افتاد بمعنای پذیرش و تأیید تلویحی تمامی نزاعهای احتمالی منطقه ای در خاور میانه خواهد بود. چرا که تمامی کشورهای عربی در بین خودشان مسائل حل نشده ارضی را همواره حل می‌کنند: سوریه - لبنان، اردن - عراق، مصر - سودان، عربستان سعودی - عراق، امارات متحده عربی در میان خودشان، مراکش - موریتانی و الی آخر.

مسئولیت اصلی و بزرگ این آخرین حادثه تراژیک بر دوش تمام دولتهای عربی سنگینی می‌کند. هیچکدام را نمی‌توان حذف کرد. (چه دور و چه نزدیک به منطقه بوده باشند) بهمان اندازه مسئولیت بزرگی بر همه ایالات متحده آمریکا و محافل نزدیک به بوش و برهمه اروپا قرار می‌گیرد. اروپایی که بسمت همبستگی و انتگراسیون گام برمی‌دارد و نمی‌تواند بدون نقش و مسئولیت سیاسی و استراتژیکی آن در نظر گرفته شود.

در عرض ۱۵ سال اخیر، جهان عرب را فلج کرده اند. در مورد مسئله فلسطین روندهای منفی بسیاری طی شده اند. و از آن سو استفاده های وسیعی صورت گرفته است. این مسئله بمانند خاری در بین تمام امور استراتژیک خاور میانه عمل کرده و می‌کند. در مقابل پیشنهادات متعدد و متفاوت بمنظور مذاکره



نزاع در پاکستان در آستانه انتخابات

وحشت و ترور، مبارزه انتخاباتی در پاکستان را همراهی می‌کند. کشور پاکستان که در حیات ۴۳ ساله خود دشواریهای فراوانی را از سر گذرانده، تاکنون با چنین ابهادی از وحشیگری مواجه نبوده است. ناظران مقیم اسلام آباد مبارزه انتخاباتی کنونی را یک جنگ خونین نام نهاده اند. ارتش پاکستان می‌خواهد نشان دهد که اگر انتخابات ۲۴ اکتبر بر وفق مرادش انجام نگیرد، آتش نشان مرگ کشور را فرا خواهد

سمیرال کاریوتی

تجاوز عراق به کوبیت، ضربه ای سخت به کلیت چهره سیاسی و استراتژیک تمامی جهان عرب بود. که غیر منتظره و بدون هیچ گونه منطقی در شرایطی که همه چشمها به سوی پایتختی که "همبستگی پان عربی" نامیده می‌شد دوخته شده بود، اتفاق افتاد. درست در لحظات ببار نشستن نتیجه گیری نشست فوق العاده سران عرب در قاهره این همبستگی تجزیه شد. برای دومین بار، در طی این روزها، دقیقاً بصورت قانونمند و حساب شده، دوجبهه بندی مشخص در پشت سران عرب بوجود آمده اند. جبهه اکثریت در موضع حضور نظامی در خلیج قرار نگرفت. نشست سران محکوم بودن تجاوز به کوبیت و در خواست خروج نیروهای عراق از این کشور را تأکید کرد و تصمیم به تشکیل نیروی فراگیر عربی را اعلام نمود. بدون اینکه وسائل و تدارکات لازم برای عملی ساختن این تصمیم را در اختیار داشته باشد. این نیروی فراگیر عربی در کدام صحنه، هر صحنه و جبهه‌ای عمل خواهد کرد؟ آیا بدنبال این هدف خواهد رفت که نیروهای نظامی عراق را مجبور به ترک کوبیت کرده باشند و یا اینکه هملا در کنار نیروهای آمریکا قرار خواهد گرفت؟ و اصولاً و هملاً چگونه عملیات خویش را منظم خواهد کرد؟ آیا به درگیری های مستقیم با عراقها کشیده می‌شود؟ - که آنها نیز هربند - یانه؟ اظهاریه ای که بعد از ظهر امروز در بغداد انتشار یافت. نشست سران را بدلیل دیر کرد و تزلزل در اعلام تصمیم هایش، محکوم به شکست قلمداد کرده است. اگر بخوایم این ارزیابی را بسط دهیم و نتایج

اتحادیه جدید، بزرگ، کاری بی فایده کرده ایم. در حال حاضر، تنها یک راه حل بمنظور برون رفت از بحران و اوضاع موجود در مقابل ما قرار می‌گیرد: خروج سریع نیروهای هراتی از کوبیت و برگشت به وضعیت عادی. پذیرش آنچه که در کوبیت اتفاق افتاد بمعنای پذیرش و تأیید تلویحی تمامی نزاعهای احتمالی منطقه ای در خاور میانه خواهد بود. چرا که تمامی کشورهای عربی در بین خودشان مسائل حل نشده ارضی را همواره حل می‌کنند: سوریه - لبنان، اردن - عراق، مصر - سودان، عربستان سعودی - عراق، امارات متحده عربی در میان خودشان، مراکش - موریتانی و الی آخر.